

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قیام عاشورا

در کلام و پیام امام خمینی (س)

تبیان
آثار موضوعی
دفتر سوم

امام خمینی (س):

سلام بر حسین بن علی که با یاران معدود
خویش برای برچیدن بساط ظلم غاصبان
خلافت پیا خاست و از ناچیز بودن عده و عده به
خود خیال سازش باستمگر را راه نداد و کربلا را
قتلگاه خود و فرزندان و اصحاب معدودش قرار
داد و فریاد «هیئات منّا الدّٰلّة» اش را به گوش
حق طلبان رساند.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه.....	الف

بخش اول: سه سخنرانی در باب محرم و عاشورا

بیانات امام در جمع علمای غرب تهران.....	۳
بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران.....	۷
بیانات امام در جمع گویندگان مذهبی و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی.....	۱۳

بخش دوم: مجموعه موضوعی

محرم، دیباچه سرخ شهادت.....	۲۵
فصل اول: علل و عوامل قیام عاشورا.....	۲۹
اهداف قیام عاشورا.....	۳۷
انتخاب آگاهانه شهدای کربلا.....	۴۴
نتایج و آثار قیام اباعبدالله (ع).....	۴۸

قیام عاشورا، اسوه آزادگان (کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا).....	۵۷
فصل دوم: فلسفه عزاداری و روضه خوانی	۶۷
اهمیت و نقش عزاداری در احیای اسلام و مکتب سیدالشهدا.....	۷۵
نقش عزاداری در حفظ ملت و کشور.....	۸۵
بزرگداشت قیام عاشورا، از شعائر الهی است.....	۹۰
توصیه به خطبا و نوحه سرایان و عزاداران.....	۹۳
گزیده‌ای از فرمایشات حضرت امام (س) درباره محرم و قیام کربلا.....	۹۶
فهرست مآخذ	۱۰۳

سلام بر پرچمدار مکتب شهادت
سلام بر مظلوم پیروز همیشه تاریخ
سلام بر حسین(ع) و اصحابش
و سلام بر فرزندان راستین عاشورا
«خمینی و یارانش»

مقدمه

آنچه که در این مجموعه فراروی پیروان مکتب شهادت گشوده‌ایم، سخنان بزرگ مردی است که در اقتدا به سالار شهیدان، خود اسوه‌ای کامل بود. مردی که در شب سیاه ستم، مشعل فروزان شهادت برگرفت، بیرق‌های قیام برافراشت، ننگ سکوت و ذلت از دامن مطهر طلایه داران تشیع سرخ حسینی زدود و دگرباره شعار «احدی الحُسَینین» و «پیروزی خون بر شمشیر» را در عصر حاکمیت آهن و فولاد، به مستضعفان و پابرهنگان زمین آموخت و سرانجام نیز به همت دستانی که زنجیرهای عزا را قرن‌ها بر زمین نهاده و عشق عاشورا و یاد حادثه خونین کربلا را نسل اندر نسل با اشک و خون و صداقت در سینه‌ها نگهداشته بودند، حکومت یزیدی زمانه را سرنگون ساخت. یادش همیشه در خاطره‌ها زنده باد که همواره بر این حقیقت گواهی می‌داد که: ما هر چه داریم از محرم و عاشورا داریم. امیدواریم که دلدادگان کوی حسینی و رهروان راه خمینی همچون گذشته افتخار پیشتازی در قیام و اقتدا به سرور آزادگان را به خوبی پاس دارند و با حضور مبارک خویش در قلعه نفوذناپذیر «ولایت» در دفاع از انقلاب اسلامی مقاوم و استوار باقی بمانند و امانت

گرانبهای الهی، نظام مقدس جمهوری اسلامی را تا ظهور دادگستر جهانی
و منتقم موعود(عج) حافظانی امین باشند.
ان شاء الله تعالی.

معاونت پژوهشی
مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

بخش اول

سه سخنرانی در باب

محرم و عاشورا

بیانات امام در جمع علمای غرب تهران

۵۸/۷/۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام را تا حالایی که شما می بینید، اینجا ما نشستیم، سیدالشهدا زنده نگه داشته است سیدالشهدا - سلام الله علیه - تمام چیز خودشان را، همه جوانان خودش را، همه مال و منال، هرچه بود، هرچه داشت - مال و منال که نداشت - هرچه داشت، جوان داشت، اصحاب داشت، در راه خدا داد و برای تقویت اسلام و مخالفت با ظلم قیام کرد. [در] مخالف با امپراتوری آن روز، که از امپراتوریهای اینجا زیادتر بود، قیام کرد در مقابل او با یک عده قلیل. و با این عده قلیل در عین حالی که شهید شد، غلبه کرد. غلبه کرد بر این دستگاه ظلم و شکست داد آنها را. ما که دنباله او هستیم و مجالس عزا از آن وقت، به امر حضرت صادق - سلام الله علیه - و به سفارش ائمه هدی - علیهم السلام - ما بپا می کنیم این مجالس عزا را، ما همان مسأله را داریم می گوئیم؛ مقابل ظلم است، مقابل ظلم ستمکاران. ما زنده نگه داشتیم، خطبای ما زنده نگه داشتند، قضیه کربلا را؛ و زنده نگه داشتند قضیه مقابله یک دسته کوچک اما با ایمان بزرگ را در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ. گریه کردن بر شهید؛ نگه داشتن زنده نگه داشتن

نهضت است اینکه در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند، یا به صورت گریه‌دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است.^(۱) این برای این است که حتی آنی که با صورت گریه‌دار خودش را، صورتش را می‌کند یک حال حزن به خودش می‌دهد و صورت گریه‌دار به خودش می‌دهد، این نهضت را دارد حفظ می‌کند؛ این نهضت امام حسین - سلام الله علیه - را حفظ می‌کند. ملت ما را این مجالس حفظ کرده.

بیخود نبود که رضاخان - مأمورین ساواک رضاخان - تمام مجالس عزا را قَدَغَن کردند. این همین طوری نبود. رضاخان همچو نبود که از اصل مخالف با این مسائل بشود، رضاخان مأمور بود، مأمور بود [برای] آنهایی که کارشناس بودند؛ آنهایی که ملتفت بودند مسائل را. دشمنهای ما، که مطالعه کرده بودند در حال ملتها و مطالعه کرده بودند در حال ملت شیعه، می‌دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این نوحه سراییهای بر مظلوم هست و تا آن افشاگری ظالم هست، نمی‌توانند برسند به مقاصد خودشان. زمان رضاخان قدغن کردند، به طوری که تمام مجالس در ایران قدغن شد، کارهای خودشان را انجام دادند. دست اهل منبر را، دست علما را بستند و نگذاشتند که اینها تبلیغات خودشان را بکنند؛ و آنها تبلیغات را از آن طرف شروع کردند، و ما را به عقب راندند و تمام مخازن ما را به چپاول بردند. در زمان محمدرضا هم به همین معنا، متنها با فرم دیگر، به فرم دیگر، نه با آنطور سرنیزه، به یک جور دیگر، این طایفه را

۱. «... وَ مَنْ بَكَى أَوْ أَبَكَى وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ.» بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۲۸۸.

می خواستند کنار بگذارند. حالا هم همانها [هستند] متنها جوانهای ما را بازی می دهند. همان مسأله است. همان مسأله زمان رضاخان است که مجالس را او قدغن کرد. حالا یک دسته ای آمده اند می گویند که نه، دیگر روضه نخوانید! نمی فهمند اینها که روضه یعنی چه. اینها ماهیت این عزاداری را نمی دانند چیست. نمی دانند که این نهضت امام حسین آمده تا اینجا، تا این نهضت را درست کرده.

این تابع، این یک شعاعی است از آن نهضت. نمی دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت، و زنده نگه داشتن همین معنا [ست] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد. دستور است. آن دستور عمل امام حسین، سلام الله علیه. دستور است برای همه: *كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا؛ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاء* دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را.

امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه ها و جوانهای ما خیال نکنند که مسأله، مسأله «ملت گریه» است! این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملت گریه»! آنها از همین گریه ها می ترسند، برای اینکه گریه ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته هایی که بیرون می آیند، مقابل ظالم هستند؛ قیام کرده اند. اینها را باید حفظ کنید. اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلمفرساها! بازیتان ندهند این

اشخاصی که با اسماء مختلفه و با مرامهای انحرافی می‌خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند. و اینها می‌بینند که این مجالس، مجالس روضه، ذکر مصایب مظلوم و ذکر جنایات ظالم، در هر عصری [مظلومان را] مقابل ظالم قرار می‌دهد. اینها ملتفت نیستند که اینها خدمت دارند می‌کنند به این کشور؛ خدمت دارند می‌کنند به اسلام.

توجه ندارند جوانهای ما! بازی این بزرگها را نخورید. اینها خیانتکارند! اینهایی که تزریق می‌کنند به شما «ملت‌گریه»، «ملت‌گریه»، اینها خیانت می‌کنند. بزرگهایشان و اربابهایشان از این گریه‌ها می‌ترسند؛ دلیلش این است که رضاخان آمد همه اینها را برد از بین، و مأمور بود. دلیلش این است که رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در رادیوی دهلی اعلام کرد که ما این را آوردیم، حالا هم بردیم! درست هم می‌گفتند. آورده بودند برای سرکوب کردن اسلام، و یکی از راههایش همین بود که این مجالس را از دست شما بگیرند. جوانهای ما خیال نکنند که دارند یک خدمتی می‌کنند می‌روند توی مجلس اگر صحبت عزا بشود، می‌گویند نه، این را نگو، غلط است این حرف، باید این را بگوید، باید این ظلمها را بگوید، تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت؛ و باید هر روز این کار بشود. این جنبه سیاسی دارد؛ جنبه اجتماعی دارد.^(۱)

* * *

بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران

۶۱/۳/۳۰

آن مطلبی را که راجع به آقایان خطبا عرض می‌کنم این است که عمق این کاری را که شما دارید و عمق ارزش مجلسهای عزاداری، کم معلوم شده است و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است. اینکه در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا آنقدر ارزش قائلند، حتی برای تباکی - به صورت گریه درآمدن - ارزش قائلند، نه از باب این است که سید مظلومان احتیاج به این کار دارد و نه آن است که فقط برای ثواب بردن شما و مستمعین شما باشد. گرچه همه ثوابها هست، لکن چرا این ثواب برای این مجالس عزا آنقدر عظیم قرار داده شده است، و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباکی، آنقدر ثواب داده است؟ کم‌کم مسأله از دید سیاسی اش معلوم می‌شود و ان شاء الله بعدها بیشتر معلوم می‌شود.

اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزا، برای نوحه‌خوانی، برای اینها، اینهمه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عبادی و روحانی، یک مسأله مهم سیاسی در کار بوده است. آن روزی که این روایات صادر شده است، روزی بوده است که این فرقه ناجیه مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قدرتهای بزرگ در آن وقت، برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمانده است و آن، نقل از منابع وحی [است] به اینکه برای این مجالس اینقدر عظمت است و برای این اشکها آنقدر در دور و بر این اشکها و عزاداریها،

شیعیان با اقلیت آنوقت اجتماع می‌کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی‌دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریتها [بود]. و در طول تاریخ، این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری [در] کشورها است، کشورهای اسلامی است و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه است، در مقابل حکومتهایی که پیش می‌آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می‌ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود.

در دفعه اول که مرا از قم گرفتند و بردند، در بین راه بعضی از این مأمورینی که بودند در آن اتومبیل من، می‌گفت که ما که آمدیم سراغ شما، از این چادرهایی که در قم بود، می‌ترسیدیم که مبادا اینها مطلع بشوند و ما نتوانیم انجام وظیفه کنیم. اینها که هیچ، قدرتهای بزرگ از این چادرها می‌ترسند. قدرتهای بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند، خود به خود ملت را به هم جوشانده‌اند در سراسر یک کشور، کشور پهناور، در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، [می‌ترسند]. این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است. و اگر یک مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید، سرتاسر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یکدفعه منتشر می‌شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می‌شود که سازمان داده شده باشد. اگر قدرتهای بزرگ در منطقه‌های خودشان بخواهند که یک اجتماعی ایجاد کنند، با فعالیت‌های زیادی که شاید چند روز یا چند دهه می‌کنند، در یک شهری، یک عده - فرض کنید

- صد هزار نفری، پنجاه هزار نفری با خرجهای زیاد و زحمتهای زیاد مجتمع می شوند و به قول آن کسی که می خواهد صحبت کند، گوش می دهند. لکن شما می بینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است، این مجالس عزایی که مردم را به هم جوش داده است، به مجرد اینکه یک مطلبی پیش می آید، در یک شهر نه، در سرتاسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهدا مجتمع می شوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود ندارد؛ با یک کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهدا - سلام الله علیه - بیرون می آید همه با هم مجتمع می شوند. اینکه بعضی از ائمه - شاید امام باقر بوده، من الآن خوب یادم نیست - می فرماید که برای من یک نفر نوحه سرا در منی بگذارید که آنجا برای من گریه بکند و عزا بگیرد،^(۱) نه این است که حضرت باقر - سلام الله علیه - احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصاً فایده ای داشته است، لکن جنبه سیاسی او را ببینید. در منی آن وقتی که از همه اقطار عالم آدم می آید آنجا، یک کسی بنشیند یا اشخاصی نوحه سرایی کنند برای امام باقر و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را - مثلاً - به شهادت رساندند، ذکر کند و این مسأله موجی باشد در همه دنیا. این مجالس عزا را دست کم گرفتند.

۱. ثقة الاسلام کلینی - رضوان الله تعالی علیه - بسند حسن روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - هشتصد درهم برای تعزیه و ماتم خود وصیت فرمود. و به سند موثق از امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که پدرم گفت: ای جعفر، از مال من وقفی بکن برای ندبه کنندگان، که ده سال در منا در موسم حج بر من گریه کنند و رسم ماتم را تجدید نمایند و بر مظلومیت من زاری کنند. جلاء العیون؛ ص ۶۹۲؛ بحارالانوار؛ ج ۷۹، ص ۱۰۶، ذیل حدیث ۵۳.

شاید غریزه‌ها به ما می‌گویند که «ملت گریه» و شاید خودیها نمی‌توانند تحمل کنند که یک قطره اشک مقابل چقدر ثواب است. یک مجلس عزا چقدر ثواب دارد. نتوانند هضم کنند و نتوانند هضم کنند آن چیزهایی که برای ادعیه ذکر شده است و آن ثوابهایی که برای دو سطر دعا ذکر شده است. نمی‌توانند این را ادراک کنند و هضم کنند. جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به یک نقطه، این، این است که یک ملت را بسیج می‌کند برای یک مقصد اسلامی. مجلس عزا نه برای این است که گریه کنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند. البته این هم هست و دیگران را اجر اخروی نصیب کند. بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این [که] اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند.

شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه‌سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می‌آمد. هیچ قدرتی نمی‌توانست ۱۵ خرداد را آنطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا. و هیچ قدرتی نمی‌تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرتهای بزرگ برای او توطئه چیده‌اند، این توطئه‌ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزا. در این مجالس عزا و سوگواری و نوحه‌سرایی برای سید مظلومان و اظهار مظلومیت؛ یک کسی که برای خدا و برای رضای او جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، اینطور ساخته جوانانی را که می‌روند در جبهه‌ها و شهادت را می‌خواهند و افتخار به شهادت می‌کنند و اگر شهادت نصیبشان نشود متأثر می‌شوند و آنطور

مادران را می‌سازد که جوانهای خودشان را از دست می‌دهند و باز می‌گویند باز هم یکی دو تا داریم. این مجالس عزای سیدالشهداست و مجالس دعا و دعای کامل و سایر ادعیه است که می‌سازد این جمعیت را اینطور، و اساس را اسلام از اول بنا کرده است به طوری که با همین ایده و با همین برنامه به پیش برود. و چنانچه، واقعاً بفهمند و بفهمانند که مسأله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه اینقدر ارج پیدا کرده و اجر پیش خدا دارد، آن وقت ما را «ملت گریه» نمی‌گویند، ما را «ملت حماسه» می‌خوانند. اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد - سلام الله علیه - که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه‌ای که از او باقی مانده است، چه کرده است و چطور می‌تواند تجهیز بکند، به ما نمی‌گفتند که ادعیه برای چیست؟ اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت جنبه سیاسی و اجتماعی‌اش چیست، نمی‌گویند که برای چه این کار را بکنیم. تمام روشنفکرها و تمام غربزده‌ها و تمام قدرتمندها اگر جمع بشوند، نمی‌توانند یک ۱۵ خرداد را ایجاد کنند. آنچه این قدرت را دارد آن است که در تحت لوای او همه مجتمعند. ما که داد می‌زنیم که ما اسلام را می‌خواهیم و جمهوری اسلامی را می‌خواهیم، برای این [است] که در جمهوری اسلامی به نام اینکه «اسلامی» است و برای خداست، همه ملت مجتمع هستند. و ما دیدیم که برای خاطر همین جمهوری اسلامی بودند و برای خاطر همین که برای خدا قیام کردند، این جمهوری اسلامی برخوردار از چه قدرتی از ملت و از سایر کشورها هم برخوردار شده است.

ملت ما قدر این مجالس را بدانند، مجالسی است که زنده نگه می‌دارد

ملتها را. در ایام عاشورا زیاد و زیادتیر و در سایر ایام هم غیر این ایام متبرکه، هفته‌ها هست و جنبشهای این طوری هست. اگر بُعد سیاسی اینها را اینها بفهمند، همان غریزده‌ها هم مجلس بپا می‌کنند و عزاداری می‌کنند، چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند. من امیدوارم که هر چه بیشتر و هر چه بهتر این مجالس برپا باشد. و از خطبای بزرگ تا آن نوحه‌خوان در این تأثیر دارد. آن که ایستاده پای منبر چند شعر می‌گوید و چند شعر می‌خواند با آن که در منبر است و خطیب است، اینها هر دو در این مسأله تأثیر دارند؛ تأثیر طبیعی دارند. گرچه خود بعضی اشخاص هم ندانند دارند چه می‌کنند، مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ.

تقریباً ما به این مرتبه رسیده‌ایم که ملت ما یکدفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یکدفعه یک انفجاری حاصل شد که این انفجار در برکت همین مجالسی [بود] که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع می‌کرد و همه به یک نقطه نظر می‌کردند. این مسأله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه درست بیشتر از آن قدری که من می‌دانم، برای مردم تشریح کنند تا اینکه گمان نکنند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه‌ها، یک قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم.^(۱)

* * *

بیانات امام در جمع گویندگان مذهبی و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی

۶۱/۷/۲۵

ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتدا به بزرگمرد تاریخ، حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - است. حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود، راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می دانست. اگر نبود این نهضت؛ نهضت حسین - علیه السلام - یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می دادند. و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند. سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی امیه شد، علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قَلت عدد نترسید، عدد، کار پیش نمی برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد، اعدای مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت توانا باشند و سرافراز.

تاریخ، این نهضت ایران را و این انقلاب را فراموش نخواهد کرد، و این فداکاری ای که در همه قشرهای ملت اسلامی است در ایران، فراموش نخواهد کرد. و این وحدتی که بین اقشار ملت از هر طبقه هستند، بین

برادران اهل سنت و برادران شیعی مذهب، تحقق پیدا کرده است و این اخوت اسلامی فراموش نخواهد شد و این انقلاب به خواست خدای تبارک و تعالی شکست نخواهد خورد. گو اینکه همه قدرتهای بزرگ دنیا و آنهایی که در بلوک شرق و غرب هستند، با انقلاب ما دشمن باشند، گو اینکه همه رسانه‌های گروهی دنیا بر ضد این نهضت قلمفرسایی کنند و دروغپردازی؛ آنچه حقیقت است، روشن خواهد بود و روشن خواهد شد. آن روزی هم که حضرت سیدالشهدا را مظلوم شهید کردند، بعضی از اشخاصی که بودند، او را به اسم خارجی و اینکه در حکومت حق وقت، قیام کرده است، اینطور معرفی کردند. لکن نور خدا می‌درخشد و خواهد درخشید و عالم را خواهد از نور پر کرد.

تکلیف ما در آستانه شهر محرم الحرام چیست؟ تکلیف علمای اعلام و خطبای معظم در این شهر چیست؟ در این شهر محرم، تکلیف سایر قشرهای ملت چی هست؟ سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین - سلام الله علیه - کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور، نباید زنها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب - سلام الله علیها - ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی‌امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند، و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد - سلام الله علیه - رفت و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیر حق با حق نیست؛

یعنی، ما را بد معرفی کرده‌اند؛ سیدالشهدا را می‌خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم. امروز کشور ما هم به همین نحو است. سازمان عفو بین‌المللی، که من باید بگویم «سازمان جعل بین‌المللی»، «سازمان کذب بین‌المللی»، در یک بیانیه‌ای که صادر کرده است، همان تهمت‌هایی که در صدر اسلام به رسول خدا و به اولاد و اتباع او می‌زدند، زاید بر او را بر کشور ما زده‌اند. همان دروغ‌هایی که اتباع یزید منتشر می‌کردند، امروز همین سازمان عفو بین‌المللی - به اصطلاح - منتشر می‌کند یک همچو دروغ‌هایی را. انسان خجالت می‌کشد که بگوید ما در یک کشورهایی و در یک زمینی زندگی می‌کنیم که اینها رسانه‌های گروهی‌اش است و اینها هم سازمانهای عفو بین‌المللی و سازمانهای دیگرش است. انسان عار دارد که بگوید ما در عصری زندگی می‌کنیم که تمام ارزشها، تمام ارزشها فدای قدرتهاست، فدای منافع مادی است و برای خود جز منافع مادی چیزی را ارزش نمی‌دانند. و ما امروز اینطور مبتلا هستیم. آن پیرمرد سالخورده زاهد عابد^(۱) متعهد را می‌کشند و آن فُسَّاق و آن منافقین می‌گویند که این را ما کشتیم؛ برای اینکه مستقیماً در شکنجه‌ها و در قتلها، مستقیماً دخالت داشته است! این چه بی‌آبرویی است که اینها دارند؟! چه سنخ تربیتی است که اینها شده‌اند؟! از آن طرف، آنهمه تهمت به جمهوری اسلامی و از آن طرف، اینطور جنایات به اشخاصی که شبها در خلوت با خدا هستند و روزها در جهاد. تکلیف ماها را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است:

۱. شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی (ره).

در میدان جنگ از قلت عدد نترسید، از شهادت نترسید. هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده انسان، به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند. ما باز درست نمی‌توانیم ادراک کنیم که حجم این پیروزی چقدر است. دنیا بعد ادراک خواهد کرد که این پیروزی ملت ایران چه حجمی دارد. به همان حجمی که این پیروزی دارد و این مجاهدت، همان حجمی را که دارد، در افزایش مصیبت‌ها هم باید حجمشان زیاد باشد. ما نباید متوقع باشیم که همه قدرتها را [که] دستشان را از منافعشان در اینجا و آن‌شاءالله، در منطقه کوتاه کردیم و متوقع این باشیم که هیچ صدمه‌ای به ما وارد نمی‌شود. ما نباید متوقع باشیم که با اینهمه پیروزی، ما همینطور سالم خواهیم ماند. ما همینطور روزمره، همانطوری که سابق بوده، حالا هم باید باشیم. تکلیف همه روحانیون، چه خطبایی که منبر تشریف می‌برند، یا ائمه جمعه و جماعت و هر کس که با مردم سروکار دارد و با آنها صحبت می‌کند، این است که وضعیت قیام حضرت سیدالشهدا را به مردم درست بفهمانند که قیام برای چی بود، چه بود و با چه عده‌ای قیام شد و با تحمل چه مصایبی آن قیام به آخر رسید - که به آخر نخواهد رسید.

این را باید همه گویندگان توجه بکنند، و ما باید همه متوجه این معنا باشیم که اگر قیام حضرت سیدالشهدا - سلام‌الله علیه - نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز بشویم. تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمعند. اسلام مساجد را سنگر قرار داد و وسیله شد از باب اینکه از همین مساجد، از

همین جمعیتها، از همین جمعات، از همین جمعه‌ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد، مهیا باشد و بالخصوص حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند، و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیمقدار او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد، باید چه کرد. باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ یا باید همانطوری که زینب - سلام الله علیها - در دنباله آن مصیبت بزرگی که تُصَغَّرُ عِنْدَهُ الْمُضَائِبُ، ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین - سلام الله علیه - با آن حال نقاقت، آنطوری که شایسته است تبلیغ کرد. ما امروز در مقابل اینهمه تبلیغاتی که در عالم دارد می‌شود بر ضدمان، در مقابل آنها واقع هستیم. در مقابل مطبوعات، در مقابل رادیوها، در مقابل سخنرانیها، در مقابل سازمانها، ما در مقابل اینها واقع هستیم و ما منافع آنها را از دستشان گرفته‌ایم و دست آنها را از کشورمان قطع کرده‌ایم و برای ادامه این نهضت، باید کوشش کنیم. یک نعمتی است خدا به ما داده است، ما باید این نعمت را حفظ کنیم. اسلام که می‌رفت در عصر رژیم منحوس پهلوی از بین برود، اسلام را برگرداندیم و آن که دشمن او بود کنار زدیم و امروز

باید این نعمت را حفظ کنیم. تکلیف همه این است که این نعمتی که خدای تبارک و تعالی داده است، به شکر این نعمت، مجاهده کنیم برای حفظ او. بحمدالله، سربازهای اسلام در جبهه‌ها، از ارتشی و پاسدار و بسیج و عشایر و اینها گرفته تا آنهایی که کمک به آنها می‌کنند، آنها دارند خدمت خودشان را به شایستگی انجام می‌دهند و دشمن را روز به روز، ساعت به ساعت عقب می‌نشانند. و ما باید در پشت جبهه، همانطوری که توده‌های مردم در پشت جبهه دارند کمک می‌کنند به جبهه‌ها، علمای اعلام، گویندگان بزرگ، خطبای عظیم‌الشأن هم باید جهاد کنند و جهاد آنها تبلیغ است، جهاد آنها فهماندن حجم این پیروزی است و این عملی که شما برای او انقلاب کردید و این ایده‌ای که برای او قیام کردید، فهماندن به ملتها و ملت که مقدار این پیروزی چقدر است و برای حفظ او باید چه کرد. همانطوری که پیروزی حاصل شد به حضور همه جمعیتها در میدان و در صحنه، حضور همه در صحنه‌های نبرد جبهه و پشت جبهه، حفظ این نعمت بزرگ الهی هم محتاج به این است که حاضر باشند جوانهای ما، حاضر باشند که هر وقتی آنها را خواستند، بروند و از اسلام دفاع کنند. اسلام یک امری است که انبیا، که نبی اکرم، که اولاد نبی اکرم و اصحاب متعهد نبی اکرم برای او جانفشانی‌ها کردند و برای او زحمتهای کشیدند. اسلام چیزی است که از [سوی] خدا آمده است و باید حفظ بشود و اگر - خدای نخواسته - این پیروزی که دنبال این انقلاب به دست شما آمده است، به واسطه سستی ما، به واسطه ضعف تبلیغ ما، به واسطه ضعف حضور ملت ما، به شکست - خدای نخواسته - برسد، بدانید که اسلام تا قرنهای دیگر نمی‌تواند سربلند کند. تکلیف، بزرگ است و همه باید این تکلیف بزرگ را بپذیریم. آخر مطلب شهادت است و وصول به

لقاءالله و حضور در محضر حضرت سیدالشهدا و امثال او، و این غایت آمال اشخاصی است که عشق به خدا دارند. و ما می‌بینیم در جبهه‌ها، برای ما نقل می‌کنند از جبهه‌ها که این جوانهای عزیز در جبهه‌ها شب چه حالی دارند؛ چه ذکر و فکر و دعایی دارند و نمازی و روز با چه نشاطی به جبهه‌ها می‌روند. این چیزی است که خدای تبارک و تعالی، نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت عطا فرموده است. این این نعمت را حفظ کنید.

شما آقایان روحانیون و همه روحانیونی که در کشور هستید، همه مکلفند به اینکه این نعمت خدا را، این عطیة الهی را حفظ کنند و شکر این نعمت را برآورند و شکر به این است که تبلیغ کنند. آنچه که سیدالشهدا عمل کرد و آن ایده‌ای که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد و برای اسلام حاصل شد، به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسأله مجاهده در راه اسلام آن است که او کرد. می‌دانست که با یک عده قلیل کمتر از صد نفر نمی‌شود مقابله با یک همچو ظالمی دارای همه چیز کرد، در صورتهای مادی، لکن می‌دانست که همین شهادت پیروز کرد اسلام را و اسلام را تجدید کرد. همین شهادت این پیرمردهای محراب از مدنی، -رحمه‌الله- گرفته تا این شهید اخیر ما، همین شهادتها پیروزی را بیمه می‌کند. همین شهادتهاست که دشمن شما را رسوا می‌کند در دنیا، هر چند که همه دنیا با آنها موافق باشد. همین سازمان عفو بین‌المللی که آن همه دروغپردازی کرده است، سند صحیح هم دارد، سند صحیحش این است که منافقین اینطور می‌گویند، مستند این است که در نوشته‌های منافقین این امور هست؛ آنهایی که دشمن اسلامند، آنهایی که دشمن ملت هستند، دشمن

مسلمانان هستند، آنهایی که دیوانه شدند برای اینکه نرسیدند به آن اهدافی که داشتند و او سلطه بدتر از سلطه محمدرضا بر این کشور بود. شما باید تبلیغ کنید آقا! محرم است. این محرم را زنده نگه دارید. ما هر چه داریم از این محرم است و از این مجالس. مجالس تبلیغ ما هم از محرم است، از این قتل سیدالشهداست و شهادت اوست. ما باید به عمق این شهادت و تأثیر این شهادت در عالم برسیم و توجه کنیم که تأثیر او امروز هم هست. اگر این مجالس و عظم و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی شد. همه در تحت بیرق امام حسین - سلام الله علیه - قیام کردند. الآن هم می بینید که در جبهه ها وقتی که نشان می دهند آنها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه ها را گرم نگه می دارند. لکن در این اجتماعاتی که در محرم و صفر می شود و در سایر اوقات، مبلغین عزیز و علمای اعلام و خطبای معظم باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم [را] در یک همچو زمانی که گرفتار اینهمه دشمن ما هستیم، معین کنند؛ به مردم و به کشور بفهمانند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه ان شاء الله، برویم. ما با این ترتیبی که تاکنون بوده است و کشور ما و افراد کشور ما بحمدالله، حاضر بودند، با این ترتیب اگر پیش برویم، آخر کارمان به پیروزی مطلق می رسد. لکن نباید سست بشویم.

این کشور ما که قیام کرد، از اول هم که قیام کرد، جمهوری اسلامی و استقلال کامل و «نه شرقی و نه غربی» را اعلام به دنیا کرد و از اول اعلام کرد به دنیا که ما نه تحت حمایت امریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم؛ ماییم و تحت عنایات خدای تبارک و تعالی و پرچم توحید که همان پرچم امام حسین - علیه السلام - است. وقتی

این اعلام را شما به دنیا کردید و معلوم است پشت سر این اعلام، دنیا بر ضد شما خواهند قیام کرد، از اول باید توجه به این معنا بکنید که ما هم همانطوری که سیدالشهدا در مقابل آنهمه جمعیت و آنهمه اسلحه‌ای که آنها داشتند، قیام کرد تا شهید شد. ما هم همینطور، ما هم برای شهادت حاضریم. الآن هم می‌بینید که در عین حالی که عده‌ای از بزرگان جمعه را از بین بردند، آنهایی که الآن هستند، تمام با روی گشاده اعلام می‌کنند که ما تا مرز شهادت این پست را داریم و حاضریم. همه باید اینطور باشند.^(۱)

بخش دوم

مجموعه موضوعی

فصل اول: علل و عوامل قیام عاشورا
فصل دوم: فلسفه عزاداری و روضه خوانی

محرم، دیباچه سرخ شهادت

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابر قدرتها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، راهی که باید مشت گره کرده آزادیخواهان و استقلال‌طلبان و حق‌گویان بر تانکها و مسلسلها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. (۱)

۵۷/۹/۱

* * *

محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است. (۲)

۵۷/۹/۱۴

۲۶ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

محرم ماهی است که به وسیله سید مجاهدان و مظلومان، اسلام زنده شد و از توطئه عناصر فاسد و رژیم بنی‌امیه که اسلام را تا لب پرتگاه برده بودند رهایی بخشید. اسلام از اول پیدایش با خون شهیدان و مجاهدان آبیاری شد و به ثمر رسید. (۳)

۵۸/۹/۷

* * *

ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی در متن فداکاری و خون به دست آمده است. (۴)

۵۷/۱۰/۶

* * *

محرم چه ماه مصیبت‌زا و چه ماه سازنده و کوبنده‌ای است، محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکست ستمکار را به فدایی دادن و فداشدن دانست؛ و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر. (۵)

۵۶/۱۱/۲

* * *

محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. (۶)

۶۰/۸/۴

* * *

باید ما محرّم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت -
علیهم السلام - که با ذکر مصائب اهل بیت - علیهم السلام - زنده مانده است
این مذهب تا حالا (۷)

۶۰/۸/۴

* * *

ماه محرّم ماهی است که در آن ماه، مردم برای شنیدن مطالب حق
آماده اند. (۸)

۵۷/۹/۱۰

* * *

اکنون که ماه محرّم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و
روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالیمقام سیدالشهدا
- علیه الصلوة والسلام - است، باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند، و با
اتکا به قدرت الهی، ریشه های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را
قطع نمایند؛ که ماه محرّم، ماه شکست قدرتهای یزیدی و حيله های
شیطانی است. (۹)

۵۷/۹/۱

* * *

فصل اول

علل و عوامل قیام عاشورا

در صدر اسلام پس از رحلت پیمبرِ ختمی - پایه‌گذار عدالت و آزادی - می‌رفت که با کجرویهای بنی‌امیه اسلام در حلقوم ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبه‌کاران نابود شود که سیدالشهدا نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود. (۱۰)

۵۷/۱۰/۶

* * *

حکومت جائرانۀ یزیدیان که می‌رفت تا قلم سرخ بر چهرۀ نورانی اسلام کشد و زحمات طاقتفرسای پیامبر بزرگ اسلام - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم - و مسلمانان صدر اسلام و خون شهدای فداکار را به طاق نسیان سپارد و به هدر دهد. (۱۱)

۶۱/۳/۶

* * *

مکتبی که می‌رفت با کجرویهای تغالۀ جاهلیت و برنامه‌های حساب‌شده

۳۰ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

احیای ملیگرایی و عروبت با شعار «لَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ»^(۱) محو و نابود شود، و از حکومت عدل اسلامی یک رژیم شاهنشاهی بسازد و اسلام و وحی را به انزوا کشاند؛ که ناگهان شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رُسل محمد مصطفی و سید اولیا علی مرتضی، تربیت و در دامن صدیقه طاهره، بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد. (۱۲)

۵۹/۳/۲۶

* * *

بنی امیه قصد داشتند که اسلام را از بین ببرند. (۱۳)

۶۲/۲/۲۶

* * *

رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی، و بنیانگذار اسلام را بر خلاف آنچه بوده معرفی کند. معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران؛ و اساس مکتب وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود. (۱۴)

۵۸/۴/۶

۱. پاره ای است از این بیت شعر عبدالله بن زُبَیْر:

لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمَلِكِ فَلَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ

(قبیله بنی هاشم با سلطنت بازی کردند. پس نه خبری آمد و نه وحی ای نازل گشت). آمده است که یزید - لعنت خدا بر او باد - آنگاه که اهل بیت عصمت (ع) را در شام بر وی وارد کردند با چوب بر دندانهای سر مطهر ابا عبدالله (ع) می زد و این شعر را بر زبان می راند. علامه شعرانی؛ دمع السجوم فی ترجمة نفس المهموم؛ ص ۲۵۲.

حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - دیدند که معاویه و پسرش، خداوند لعنتشان کند، اینها دارند مکتب را از بین می‌برند؛ دارند اسلام را وارونه جلوه می‌دهند. اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند، آمده انسان درست کند، اینها، این پدر و پسر، - مثل این پدر و پسر^(۱) - اسلام را وارونه داشتند نشان می‌دادند. شرب خمر می‌کردند، امام جماعت هم بودند! مجالسشان مجالس لهو و لعب بود، همه چیز تویش بود، دنبالش هم جماعت بود، امام جماعت هم می‌شدند. امام جماعت قمارباز! امام جمعه هم بودند و منبر هم می‌رفتند و اهل منبر هم بودند. منبر هم می‌رفتند! به اسم خلافت رسول الله بر ضد رسول الله قیام کرده بودند. فریادشان «لا اله الا الله» بود، و بر ضد الوهیت قیام کرده بودند. اعمالشان، رفتارشان رفتار شیطانی، لکن فریادشان فریاد خلیفه رسول الله! (۱۵)

۵۸/۴/۷

* * *

یزید هم یک قدرتمند بود و یک سلطان بود و - عرض می‌کنم که - همه بساط سلطنت را یزید داشت. بعد از معاویه او بود دیگر. حضرت سیدالشهدا به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ با «ظل الله» طرف شد؟! «سلطان را نباید دست زد»! به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصری که شهادتین را می‌داد و می‌گفت من خلیفه پیغمبر هستم! برای اینکه یک آدم قاچاق بود! برای اینکه یک آدمی بود که

۱. رضاخان پهلوی و پسرش محمدرضا.

می خواست این ملت را استثمار کند، می خواست بخورد این ملت را،
منافع ملت را می خواست خودش بخورد و اتباعش بخورند. (۱۶)

۵۷/۸/۱۴

* * *

سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت
سیدالشهدا(ع) برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد.
برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت
نشناسد قیام فرمود، و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد. اینها از اسلام
نیست. اسلام سلطنت و ولایتعهدی ندارد. (۱۷)

* * *

خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند این نبود که غصب خلافت
کردند؛ این یک خطر، کمتر از آن بود؛ خطری که اینها داشتند این بود که
اسلام را به صورت سلطنت در می خواستند بیاورند، می خواستند
معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه «ما خلیفه رسول الله
هستیم» اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری
که این دو نفر ضرر به اسلام می خواستند بزنند یا زدند جلوتری ها آنطور
نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه می خواستند بکنند. سلطنت بود،
شرب خمر بود، قمار بود در مجالسشان. «خلیفه رسول الله» و در مجلس
شرب خمر؟! و در مجلس قمار؟! و باز «خلیفه رسول الله» نماز هم می رود
در جماعت می خوانند! این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود. این خطر

را سیدالشهدا رفع کرد. قضیه قضیه غصب خلافت فقط نبود. قیام سیدالشهدا - سلام الله علیه - قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می‌خواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا می‌کردند، اسلام یک چیز دیگری می‌شد. اسلام می‌شد مثل رژیم ۲۵۰۰ ساله سلطنت. اسلامی که آمده بود و می‌خواست رژیم سلطنتی را و امثال این رژیمها را به هم بزند و یک سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند، می‌خواست «طاغوت» را بشکند و «الله» را جای او بنشانند، اینها می‌خواستند که «الله» را بردارند، «طاغوت» را جایش بنشانند. همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق. کشته شدن سیدالشهدا - سلام الله علیه - شکست نبود چون قیام الله بود، قیام الله شکست ندارد. (۱۸)

۵۸/۳/۸

* * *

آنها می‌خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند و این کارشان اسباب این شد که عرب و عجم و همه، همه مسلمین توجه پیدا کردند که نه، قضیه، قضیه عربیت و عجمیت و فارسیت و اینها نیست، قضیه خدا و اسلام است. (۱۹)

۵۹/۸/۱۴

* * *

سیدالشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می‌کنند، با اسم خلافت اسلام خلافتکاری می‌کنند و ظلم می‌کنند و این منعکس می‌شود

در دنیا که خلیفه رسول الله دارد این کارها را می‌کند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند؛ و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. (۲۰)

۵۸/۴/۱۳

* * *

حضرت سیدالشهدا عدد کمی، با یک عدد کمی حرکت کردند و مقابل یزید که خوب یک حکومت قلدری بود، یک حکومت مقتدری بود و اظهار اسلام هم می‌کرد، اظهار اسلام هم می‌کرد و از قوم و خویشهای خود اینها هم بود؛ در عین حالی که اظهار اسلام می‌کرد و حکومتش - به خیال خودش - حکومت اسلامی بود و خلیفه رسول الله - به خیال خودش - بود لکن اشکال این بود که یک آدم ظالمی است که بر مقدرات یک مملکت، بدون حق تسلط پیدا کرده است. اینکه حضرت ابی عبدالله - علیه السلام - نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم در مقابل این، برای این [بود] که گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم از این، نهی از منکر کنم. (۲۱)

۵۷/۹/۱۱

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری، در بین مردم دارد حکومت می‌کند، تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که یک حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که

می تواند؛ با چند نفر، با چندین نفر، که در مقابل آن لشکر و بساط، هیچ نبود. (۲۲)

۵۷/۸/۳

* * *

ایشان در یکوقتی این مطلب را فرموده اند که وقتی که قیام کرده اند و نهضت کرده اند در مقابل یزید و این سلطان جائر، با یک عدد کمی در مقابل یک عده کثیری و در مقابل ابرقدرتی، که در آن وقت همه مواضع قدرت دستش بوده است، که عذر را از ما ساقط کند که ما بگوییم که مثلاً ما عدلمان کم بود؛ ما زورمان کم بود. این را در وقتی ایشان فرموده اند که می خواستند قیام کنند بر ضد سلطان جائر و قشتان. خطاب کردند به مردم و خطبه خواندند؛ و علت قیام است، اینکه چرا من در مقابل این آدم قیام کردم برای اینکه این، عهد خدا را شکسته است و سنت پیغمبر را مخالفت کرده است و حرمت الله تعالی را نكث کرده است و نقض کرده است، و پیغمبر فرموده است هرکس ساکت بنشیند و تغییر ندهد این را، جایش جای همان یزید است در جهنم. جایی که یزید دارد، کسی که سکوت کند جایش جای او است. (۱)

۱. قال ابو مِخْنَفٍ عن عقبه بن أبي العيزار: إن الحسين خَطَبَ أصحابه و اصحابَ الحرِّ بالبيضة فَحَمَدَ الله و أثنى عليه ثم قال: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - قال: مَنْ رَأَى سُلْطَاناً جَائِراً مُسْتَجِلاً لِحُرْمِ اللهِ، نَاكِثاً لِعَهْدِ اللهِ، مُخَالِفاً لِسُنَّةِ رَسُولِ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ؛ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بَغْغِلٍ وَ لَا قَوْلَ كَانَ حَقّاً عَلَى اللهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ. ابو مِخْنَفٍ از ابو العيزار نقل کرد که حسین (ع) در منطقه «بيضة» برای همراهان خود و حرّ خطبه خواند؛ پس خداوند را شکر گزارد و او را ستود. سپس گفت: ای ←

حالا ما ببینیم چه کرده است که حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - در مقابلش قیام کردند و همچو مطلبی را فرموده‌اند و برنامه داده‌اند. حضرت سیدالشهدا مطلبی را که فرموده‌اند، این مال همه است. یک مطلبی است عمومی: مَنْ رَأَىٰ هِرَکَ بَیِّنَدِ، هرکسی ببیند یک سلطان جائری اینطور اتصاف به این امور را دارد، و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است. یزید یک آدمی بود که به حَسَبِ ظاهِر متشبث به اسلام بود و خودش را خلیفه پیغمبر حساب می‌کرد و نماز هم می‌خواند و همه این کارهایی که ماها می‌کنیم آن هم می‌کرد؛ اما چه می‌کرد؟ اما از آن طرف معصیت کار بود؛ مخالف سنت رسول الله می‌کرد. رسول الله سنتش این است که باید با مردم چه جور عمل بکنند، او خلافش عمل می‌کرد؛ باید حفظ دِماء مسلمین بشود، او دماء مسلمین را می‌ریخت؛ باید مال مسلمین هدر نرود، او هدر می‌داد مال مسلمین را. همین شیوه‌ای که پدرش معاویه هم داشت و امیرالمؤمنین هم قیام کرد در مقابل او. متنها حضرت امیر لشکر هم داشت ولی سیدالشهدا عدد خیلی کمی [داشت] در مقابل یک ابرقدرت. (۲۳)

۵۷/۹/۱۸

* * *

آن روزی که وجهه اسلام بخواهد درش خدشه وارد بشود، آن روز است

→ مردم همانا پیامبر خدا(ص) گفت هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرامهای خدا را حلال می‌شمرد و پیمان خدا را می‌شکند و با سنت پیامبر خدا(ص) مخالفت می‌ورزد و باگناه و دشمنی در میان بندگان خدا حکم می‌راند؛ پس او را با کردار و گفتار انکار نکنند، بر خدا لازم است که او را به جایی که آن سلطان را برده است، ببرد. تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۰۴.

که بزرگان اسلام جانشان را دادند برای آن. در زمان معاویه و در زمان پسر خلف معاویه مسأله اینطور بود که چهره اسلام را اینها داشتند قبیح می کردند. به عنوان خلیفه المسلمین، به عنوان خلیفه رسول الله آن جنایات را می کردند. مجالسشان، مجالس چه بود. اینجا بود که تکلیف اقتضا می کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند؛ و این چهره قبیحی که اینها دارند از اسلام نشان می دهند و اشخاص غافل ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه دارد و یزید دارد، این است که خطر می اندازد اسلام را و این است که مجاهده برایش باید کرد، ولو انسان به کشتن برود. (۲۴)

۵۸/۳/۸

* * *

اهداف قیام عاشورا

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگ باشد - بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا - وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد، باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد؛ که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود؛ **لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**،^(۱) باید عدالت

۱. اشاره است به آیه: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ»

۳۸ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند. (۲۵)

۶۰/۶/۱۸

* * *

برای این بود شهادتش؛ برای این بود که اقامه بشود عدل الهی. اقامه بشود
خانه خدا. (۲۶)

۶۶/۶/۱

* * *

زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب - سلام الله علیه - زندگی
همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه شان این معنا
بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست
کنند. (۲۷)

۶۷/۱/۱

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - از همان روز اول که قیام کردند برای این امر،
انگیزه شان اقامه عدل بود. فرمودند که، می بینید که معروف، عمل بهش

→ إِنْ لِّلَّهِ قُوَّةٌ عَظِيمَةٌ؛ ما به تحقیق فرستادگان خود را با نشانه های روشن فرستادیم و با آنان کتاب
و ترازو فرود آوردیم تا مردم داد را به پا دارند و آهن را فرود آوردیم که در آن قوت کارزار و
سودهایی برای مردم هست تا خداوند بداند که او را و فرستادگانش را با ایمان به غیب یاری
می کند. بدرستی که خداوند توانا و مقتدر است. (حدید / ۲۵).

نمی‌شود و منکر، بهش عمل می‌شود.^(۱) انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه حکومت عدل، جور، حکومت جور باید از بین برود. (۲۸)

۶۷/۱/۱

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - که همه عمرش را و همه زندگی‌اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و

۱. قال عَقَبَةُ بْنُ أَبِي الْعِيزَارِ: قَامَ حَسِينٌ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِذِي حُسَمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ قَدْ نَزَلَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ تَرَوْنَ وَ أَنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا وَ اسْتَمَرَّتْ حِدَاءٌ فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا ضَبَابَةٌ كَضَبَابَةِ الْإِنَاءِ وَ حَسِيسٌ عَيْشٍ كَالْمَرَعَى الْوَبِيلِ. أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُجْتَمِعًا فَأَتَى لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا. عَقَبَةُ بْنُ أَبِي الْعِيزَارِ كَقَوْلِهِ: حَسِينٌ (ع) فِي مَطْنِهِ «ذِي حُسَمٍ» بَرِيءٌ خَاسِتٌ، پَسِ خُذَا رَا شُكْرَ گَزَارِدِ وَ اُو رَا سَتُوْد. سِپَسِ گُفْت: چِیْزِی پِیْشِ اَمَدِ کِه مِی بِنِیْنِدِ وَ بَدْرَسْتِی کِه دُنْیَا دِگَر گُوْنِ وَ عُوْضِ شُدِه اَسْتِ وَ نِیْکِیْهَی اَن پِشْتِ کَرْدِه اَنْدِ وَ بَا شْتَابِ دَر حَالِ گِذْرِ اَسْت. پَسِ، اَز اَن جِزِ اَنْدِکِی اَبِ چُوْن تِه مَانْدِه اِی دَر ظَرْفِی، وَ زَنْدِگِی پِسْتِی چُوْن چِرَا گَاهِی بَسِیَار بَد، بِه جَای نَمَانْدِه اَسْت. اَیَا نَمِی بِنِیْنِدِ کِه حَق بِه کَار بَسْتِه نَمِی شُوْدِ وَ اَز بَاطِلِ بَا زَدَارِی نَمِی شُوْد. حَقَا کِه مُؤْمِن بَا یَدِ مَلَا قَاتِ بَا خُذَا رَا (بِه عُوْضِ اِیْنِ زَنْدِگِی) بِنِخَوَاهِد. پَسِ بَرَا سْتِی کِه مَن مَر گِ رَا جِزِ سَعَادَتِ، وَ زَنْدِگِی بَا سَتْمِگَرَانِ رَا جِزِ رَنْجِشِ وَ اَنْزِجَارِ نَمِی بِنِیْم. تَحْفِ الْعُقُولِ؛ ص ۲۴۹.

تمام زندگی اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند. (۲۹)

۶۷/۱/۱

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه هایش را، همه چیز را در صورتی که می دانست قضیه اینطور می شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرفهای ایشان را می شنود همه را، می بیند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می کند، این جور نبود که آمده است ببیند که، بلکه آمده بود حکومت هم می خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آنهایی که خیال می کنند که حضرت سیدالشهدا برای حکومت نیامده، خیر؛ اینها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت دست مثل سیدالشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا هستند باشد. (۳۰)

۶۶/۱۲/۳۰

* * *

سیدالشهدا دیدند که مکتب دارد از بین می رود. قضیه قیام سیدالشهدا و قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه، قیام انبیا در مقابل قدرتمندان و کفار مسأله این نیست که بخواهند یک مملکت [را] بگیرند. همه عالم پیش آنها هیچ است. مکتب آنها این نیست، مقصد آنها این نیست، که

کشورگشایی بکنند. (۳۱)

۵۸/۴/۷

* * *

اینکه سیدالشهدا را کشاند به آنجا مکتب بود که کشاند به آنجا؛ اتحاد و عقیده بود که کشاند به آنجا. همه چیزش را داد در مقابل عقیده، در مقابل ایمان؛ و کشته شد و شکست داد؛ طرف را شکست داد. (۳۲)

۵۸/۷/۲

* * *

حضرت سیدالشهدا قیام کردند بر ضد یزید؛ و شاید و همان طور هم بود که خوب، اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بپندازند نشوند؛ این اخبارش هم اینطور است که ایشان مطلع بودند بر این مطلب؛^(۱) در عین حال برای همین معنی که بر ضد یک رژیم ظالم قیام کنند - ولو اینکه کشته بشوند - قیام کردند و کشته دادند و کشتند و خودشان هم کشته شدند. (۳۳)

۵۷/۸/۲۷

۱. در روایات فراوانی ضمن اخبار خداوند به انبیا و نیز در فرمایشات پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) به شهادت رسیدن امام حسین(ع) مورد اشاره واقع شده است. از جمله در نامه شخص امام حسین(ع) به بنی هاشم آمده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. مِنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى بَنِي هَاشِمٍ. أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ مَنْ لَجَعَ بِي مِنْكُمْ اسْتَشْهَدَ وَمَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَبْلُغْ مَبْلَغَ الْفَتْحِ وَالسَّلَامِ. به نام خداوند بخشنده مهربان. از حسین بن علی بن ابیطالب به بنی هاشم. اما بعد، پس هرکس به من ملحق شود به شهادت می‌رسد و هرکه روی گرداند به پیروزی نخواهد رسید. والسلام. اللهوف علی قتل الطفوف؛ ص ۶۹.

آن حضرت در فکر آینده اسلام و مسلمین بود. به خاطر این که اسلام در آینده و در نتیجه جهاد مقدس و فداکاری او در میان انسانها نشر پیدا کند و نظام سیاسی و نظام اجتماعی آن در جامعه ما برقرار شود مخالفت نمود، مبارزه کرد، و فداکاری کرد. (۳۴)

* * *

در عین حال او [سیدالشهدا سلام الله علیه] تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع؛ تا رسوا نکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده ای که همراه خودش بود. چون دید که یک حکومت جائری است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است تکلیف خودش را - تکلیف الهی خودش را - تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استنکار بکند؛ هرچه خواهد شد. در عین حالی که به حَسَب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی تواند با آن عده ای که آنها دارند، مقابله کند لکن تکلیف بود. (۳۵)

۵۷/۹/۱۱

* * *

لکن تکلیف اینطور می دانست که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این عَلم یزید را بنخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد. خودش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و

همه چیزهای خودش را داد در راه، برای اسلام. (۳۶)

۵۷/۸/۳

* * *

سیدالشهدا قوایی نداشت در مقابل آن قوه [ولی] باشد قیام کرد، مخالفت کرد، چه کرد، تا کشته شد. آن هم می توانست اگر تنبیل بود - نعوذ بالله؛ می توانست بگوید که تکلیف شرعی من نیست. از خدا می خواستند آنها که سیدالشهدا ساکت باشد و آنها به خرسواری خودشان سوار باشند. از قیام او می ترسند. او «مُسلم» را فرستاده که مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد؛ این حکومت فاسد را از بین ببرد. اگر او هم سر جای خودش می نشست و در مدینه وقتی که مردک می آمد می گفت که بیعت کن، می گفت بسیار خوب سلمه الله تعالی! نعوذ بالله اگر یک همچو چیزی می گفت، از خدا می خواستند؛ خیلی هم احترامش می کردند، دستش را هم می بوسیدند. (۳۷)

۵۰/۴/۱

* * *

سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد. (۳۸)

۵۸/۴/۱۵

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - تمام اصحاب خودشان را، همه جوانان خودش را، همه مال و منال، هرچه بود، هرچه داشت - مال و منال که

۴۴ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

نداشت - هرچه داشت، جوان داشت، اصحاب داشت، در راه خدا داد و برای تقویت اسلام و مخالفت با ظلم قیام کرد. [در] مخالف با امپراتوری آن روز، که از امپراتوریهای اینجا زیادتر بود. (۳۹)

۵۸/۷/۳۰

* * *

سیدالشهدا هم که کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند. (۴۰)

۵۸/۴/۱۷

* * *

پیغمبر در بعضی جنگها شکست می خورد؛ شکست خورد در بعضی جنگها. حضرت امیر در جنگ با معاویه شکست خورد؛ حضرت سیدالشهدا را کشتند؛ اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود؛ از این جهت، از این جهت هیچ شکستی در کار نبود. اطاعت کرد. (۴۱)

۵۷/۹/۱۱

* * *

انتخاب آگاهانه شهدای کربلا

هر چه روز عاشورا سیدالشهدا - سلام الله علیه - به شهادت نزدیکتر

می شد، افروخته تر می شد. جوانان او مسابقه می کردند برای اینکه شهید بشوند. همه هم می دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. مسابقه می کردند آنها؛^(۱) برای اینکه آنها می فهمیدند کجا می روند، آنها می فهمیدند برای چه آمده اند. آگاه بودند که ما آمده ایم ادای وظیفه خدایی را بکنیم، آمدیم اسلام را حفظ بکنیم. (۴۲)

۶۰/۴/۱۰

* * *

می بینید که در بعض روایات هست که حسین بن علی - سلام الله علیه - هرچه به ظهر عاشورا نزدیکتر می شد افروخته تر می شد، رویش افروخته تر می شد^(۲) برای اینکه می دید که جهاد در راه خداست و برای خداست و چون جهاد برای خداست، عزیزی که از دست می دهد از دست نداده است، اینها ذخایری هستند برای عالم بقا. (۴۳)

۶۲/۲/۴

* * *

۱. اللهوف علی قتل الطفوف؛ ص ۱۱۲.

۲. قال علی بن الحسین (ع): وَ لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ لِأَنَّهُمْ كُلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُمْ وَ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَانَ الْحُسَيْنُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ بَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خِصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَ تَهْدِي جَوَارِحَهُمْ وَ تَسْكُنُ نُفُوسَهُمْ. حضرت سجاد(ع) فرمود: چون کار بر حسین بن علی بن ابیطالب دشوار شد، همراهانش به او نگریستند و ناگاه دریافتند که او بر حالی دیگر است؛ زیرا هرچه کار دشوارتر می شد رنگ آنان دگرگون می گشت و اندامشان می لرزید و ترس دلهاشان را فرا می گرفت. در حالی که روی حسین - علیه السلام - و برخی نزدیکانش می درخشید و اندامشان آرام می گشت و دلهاشان قرار می گرفت. بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۲۹۷؛ معانی الاخبار؛ ص ۲۸۸، باب معنی موت.

در خبر شهادت حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - وارد است که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - را در خواب دید. حضرت فرمود به آن مظلوم که از برای تو درجه‌ای است در بهشت؛ نمی‌رسی به آن مگر به شهادت.^(۱) (۴۴)

* * *

سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود، و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت: ظهر شده است، فرمود که یاد من آوردید یاد آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند، و ایستاد همان جا نماز خواند. نگفت که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم. خیر، جنگ را برای نماز کردند.^(۲) (۴۵)

۵۹/۳/۱۴

۱. ... فَجَاءَهُ النَّبِيُّ وَهُوَ فِي مَنَامِهِ فَأَخَذَ الْحُسَيْنَ وَضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ وَجَعَلَ يُقَبِّلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَيَقُولُ: يَا أَبَى أَنْتَ كَأَنِّي أُرَاكَ مَرْمَلًا بِدَمِكَ بَيْنَ عِصَابَةٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَرْجُونَ شَفَاعَتِي مَا لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ خَلَاقٍ. يَا بُنَيَّ أَنْتَ قَادِمٌ عَلَيَّ أُنَبِّئُكَ وَأَمَّا أَنْتَ وَأَخِيكَ وَهُمْ مُسْتَأْفُونَ إِلَيْكَ وَإِنِّي فِي الْجَنَّةِ دَرَجَاتٌ لَا تُنَالُهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ... پس پیامبر نزد وی آمد - و او در خواب بود - حسین را گرفت و بر سینه خود نهاد و میان دو چشم او بوسه داد و فرمود: پدرم فدای تو باد. چنان است که می‌بینم گروهی از این امت که به شفاعت من امید بسته‌اند در خونت بغلطانند. گروهی که نزد خدا بهره‌ای از شفاعت ندارند. فرزندم! تو بر پدر و مادر و برادرت وارد گردی در حالی که آنها مشتاق‌اند به دیدار تو. به تحقیق تو را در بهشت درجاتی است که بدان نرسی مگر به شهادت. (امام ابن رویا را هنگام خروج از مدینه در کنار قبر پیامبر مشاهده فرموده بود.) بحار؛ ج ۴۴، ص ۳۱۳، باب ۳۷.

۲. ابو ثمامه صائدی چون دید اصحاب امام حسین (ع) یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسند به ایشان گفت: ای ابا عبدالله، جانم بفدایت، می‌بینم که اینان به شما نزدیک شده‌اند و به خداوند سوگند نه، کشته نخواهی شد مگر آنکه پیش از تو کشته شوم

حضرت علی بن الحسین - سلام الله علیه - در آن بحبوحه که بود و چه می شد، راجع به اینکه همه حاصل مُقَدَّر است که باید کشته بشوید، این طور نقل می کنند اهل منبر که عرض کرد به امام - علیه السلام - که أَوْلَسْنَا عَلِيَّ الْحَقُّ؟ ما بحق نیستیم؟ فرمود: چرا. گفت: پس چرا بترسیم از مُردن: فَإِذَا لَا تُبَالِي بِالْمَوْتِ. وقتی ما بحَقِّیم. (۱) (۴۶)

۵۸/۶/۱۳

* * *

رضای خدا را در نظر داشته باشید و خودتان را بنده خدا بدانید که هر طور پیش بیاورد آن طور را راضی هستید، همان طوری که بندگان خالص خدا، اولیای معظم خدا این طور بودند. هر چه برای سیدالشهدا - به حسب روایت - نزدیک می شد ظهر عاشورا و جوانهایش یکی یکی از بین می رفتند، صورتش افروخته تر می شد. برای اینکه می دید روی مقصد دارد می رود. (۴۷)

۶۳/۳/۹

* * *

→ (ان شاء الله). و دوست دارم در حالی پروردگارم را ببینم که این نمازی را که هنگامش رسیده است، خوانده باشم. راوی می گوید: پس حسین (ع) سر بلند نمود و فرمود: ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ. نَعَمْ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا. ثُمَّ قَالَ: سَأَلُوهُمْ أَنْ يَكْفُوا عَنَّا حَتَّى نُصَلِّيَ. نماز را به یاد آوردی؛ خداوند تو را از جمله نمازگزاران ذاکر قرار دهد. آری این اول وقت نماز است. سپس فرمود: از آن لشکریان بخواید دست نگه دارند تا نماز بخوانیم.

تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۳۴.

۱. تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۰۸.

جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می‌گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می‌رسیدند، رخسار مبارکش افروخته‌تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می‌گردید. (۴۸)

۶۰/۷/۸

* * *

نتایج و آثار قیام اباعبدالله (ع)

اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جانفرسای نبی اکرم راطاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند. و اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می‌خواستند قلم سرخ بروحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر تاریک بت‌پرستی که به‌گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «لَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ» بنیاد حکومت الهی را برکنند. نمی‌دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می‌آمد. لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی‌بخش و قرآن هدایت‌افروز را جاوید نگه دارد و با خون شهیدانی چون فرزندان وحی احیا و پشتیبانی فرماید و از آسیب دهرنگه دارد و حسین بن علی آن عصاره نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد، تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیدت خویش و امت معظم پیامبر اکرم نماید، تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبشاری فرماید و از وحی و از رهاوردهای آن

پاسداری نماید. (۴۹)

۶۰/۳/۱۶

* * *

شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود، آن شهادت مظلومانه و اسارت آل الله، تخت و تاج یزیدیان را که با اسم اسلام، اساس وحی را به خیال خام خود می خواستند محو کنند، برای همیشه به باد فنا سپرد و آن جریان، سفیانیان را از صحنه تاریخ به کنار زد. (۵۰)

۶۰/۳/۱۵

* * *

آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در ۱۵ خرداد ۴۲ پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با دست ستمشاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند، که ملت عظیم الشان ایران بحمدالله تعالی با قدرت و پیروزی برگور آتشبار آنان لعنت می فرستد. (۵۱)

۶۱/۳/۱۵

* * *

اگر نبود این نهضت؛ نهضت حسین - علیه السلام - یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می دادند. و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و

۵۰ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند. سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی‌امیه شد. (۵۲)

۶۱/۷/۲۵

* * *

شخصیت عظیمی که از عصارة وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رُسل محمد مصطفی و سید اولیا علی مرتضی، تربیت و در دامن صدیقه طاهره، بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی‌نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد که کاخ ستمکاران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید. (۵۳)

۵۹/۳/۲۶

* * *

سیدالشهدا نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه بنی‌امیه را محکوم و پایه‌های آن را فرو ریخت. (۵۴)

۵۷/۱۰/۶

* * *

اگر فداکاری پاسدار عظیم‌الشان اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران بزرگ و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفقان بنی‌امیه و رژیم ظالمانه

آنان وارونه معرفی می‌شد، و زحمات نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - و اصحاب فداکارش هدر می‌رفت. (۵۵)

۵۸/۴/۶

* * *

ائمه اطهار اکثراً یا کشته شدند یا [مسموم] شدند؛ لکن مکتبشان محفوظ بود. کشته شد، مکتبش محفوظ بود. بلکه مکتب را زنده کرد. با این کشته شدن مکتب را زنده کرد. (۵۶)

۵۸/۴/۷

* * *

چنانکه اولیای حق هم بسیاری شان مغلوب شدند، لکن مکتب محفوظ بود؛ سیدالشهدا - سلام الله علیه - با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند، لکن مکتبشان را جلو بردند؛ شکست در مکتب نبود پیشروی بود؛ یعنی بنی امیه را تا ابد شکست داد قتل سیدالشهدا؛ یعنی آن اسلامی که بنی امیه می‌خواست بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت برخلاف همه موازین انسانی عمل بکنند، آن را سیدالشهدا - سلام الله علیه - با نثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را، شکست داد، ولو مقتول شد. (۵۷)

۵۸/۴/۱۲

* * *

اولیای خدا هم شکست می‌خوردند. حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد، این حرف ندارد، شکست خورد. امام حسین - سلام الله

علیه - هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد. اما به حسب واقع پیروز شدند آنها. شکست ظاهری، و پیروزی واقعی بود. (۵۸)

۵۸/۶/۱۳

* * *

اسلام را تا حالایی که شما می بینید، اینجا ما نشسته ایم، سیدالشهدا زنده نگه داشته است. (۵۹)

۵۸/۷/۳۰

* * *

اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیغمبر جان خودشان را فدای اسلام کردند. حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - با آن جوانها، با آن اصحاب، برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیا کردند. (۶۰)

۵۸/۳/۲۴

* * *

مبارزه حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - با دولت وقت که دولت طاغوتی بود. شهادت سیدالشهدا به اسلام هیچ لطمه ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند، به اسم خلیفه رسول الله؛ با رفتن در مسجد؛ اقامه جمعه و امام جمعه بودن؛ اقامه جماعت و امام جماعت بودن. اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام؛ لکن محتوا برخلاف، نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا؛ و نه

حاکم حاکم اسلامی. سیدالشهدا - سلام الله علیه - این نقشی که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام به اینکه این هم نظیر همان چیزهای سابق است، آن را باطل کرد. (۶۱)

۵۸/۴/۱۵

* * *

شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد، مکتب اسلام زنده شد؛ و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد... و سیدالشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می‌کنند، با اسم خلافت اسلام خلافتکاری می‌کنند و ظلم می‌کنند و این منعکس می‌شود در دنیا که خلیفه رسول الله دارد این کارها را می‌کند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند؛ و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. پس کشتن، شهادت سیدالشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد؛ نفع داشت برای اسلام؛ اسلام را زنده کرد. (۶۲)

۵۸/۴/۱۳

* * *

اگر سیدالشهدا نبود، این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می‌کردند؛ به جاهلیت برمی‌گرداندند. اگر حالا من و تو هم مُسلم بودیم، مُسلم طاغوتی بودیم! نه مُسلم امام حسینی. امام حسین نجات داد اسلام را. (۶۳)

۵۸/۴/۱۷

* * *

حضرت سیدالشهدا هم شکست خورد و کشته شد. اما پیروزی نهایی را داشتند آنها. مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن. دشمنشان را عقب زدند. معاویه و بساط معاویه را که می‌خواست اسلام را به صورت یک امپراتوری درآورد [و] برگرداند به زمان جاهلیت، و آن اوضاع جاهلیت، شکستش دادند. یزید و اتباع یزید دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آنهاست تا ابد، لعن خدا هم بر آنهاست و آنها خودشان محفوظ بودند. (۶۴)

۵۸/۱۰/۱۰

* * *

سیدالشهداست. سیدالشهدا - سلام الله علیه - مذهب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد. (۶۵)

۵۸/۸/۲۹

* * *

أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ که روایت شده است که پیغمبر فرموده است،^(۱) این معنایش، معنا این است که حسین مال من است و من هم از او زنده می‌شوم. از او [نقل] شده است. اینهمه برکات از شهادت ایشان است، با

۱. رَوَى سَعِيدُ بْنُ رَاشِدٍ عَنْ يَعْلى بْنِ مَرَّةَ قَالَ وَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - يَقُولُ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ. أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا. حُسَيْنٌ سَبِيٌّ مِنَ الْأَسْبَاطِ. سَعِيدُ بْنُ رَاشِدٍ عَنْ يَعْلى بْنِ مَرَّةَ رَوَى كَمَا كُنْتُ أَقُولُ: مِنْ أَحَبِّ خَدَائِكَ (ص) شنیدم که می‌فرمود: حسین از من است و من از حسین. خداوند دوست بدارد هر آنکه حسین را دوست داشته است. حسین یکی از اسباط است. شیخ مفید؛ ارشاد؛ ص ۲۳۳.

اینکه دشمن می‌خواست آثار را از بین ببرد؛ آنها درصدد بودند که اصل بنی‌هاشمی در کار نباشد. «لَعِبَتِ هَاشِمٌ بِالْكَذَا» این حرف بود. آنها می‌خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند. (۶۶)

۵۹/۸/۱۴

* * *

وقتی که حضرت [سیدالشهدا - سلام الله علیه -] آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک حرکت سیاسی بزرگی بود که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه می‌روند، ایشان از مکه خارج بشود. این یک حرکت سیاسی بود تمام حرکاتش، حرکات سیاسی بود، اسلامی - سیاسی و این حرکت اسلامی - سیاسی بود که بنی‌امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود، اسلام پایمال شده بود. (۶۷)

۶۲/۷/۱۳

* * *

امام حسین - سلام الله علیه - خود و تمام فرزندان و اقربای خودش را فدا کرد و پس از شهادت او، اسلام قویتر شد. (۶۸)

۶۰/۶/۹

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - کشته شد، شکست خورد لکن بنی‌امیه را همچو شکست که تا آخر نتوانستند دیگر کاری بکنند؛ همچو این خون،

آن شمشیرها را عقب زد که تا الآن هم که ملاحظه می‌کنید باز پیروزی با سیدالشهداست و شکست با یزید و اتباع اوست. (۶۹)

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

سیدالشهدا بحق بود و با عدهٔ قلیلی مقابله کرد و در عین حالی که به شهادت رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لکن اسلام را زنده کرد و یزید و بنی‌امیه را رسوا کرد. (۷۰)

۶۰/۱۲/۱۸

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدّراتشان قیام کردند. چون قیام لله بود، اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند. در صورت ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را، اساس سلطنتی که می‌خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی درآورد. (۷۱)

۵۸/۳/۸

* * *

کسی که برای خدا کار می‌کند شکست تویش نیست ولو کشته بشویم شکست نداریم. حضرت سیدالشهدا هم کشته شد لکن شکست خورد؟ الآن بیرق او بلند است و یزیدی تو کار نیست. (۷۲)

۵۸/۱۰/۹

اگر قیام حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز بشویم. (۷۳)

۶۱/۷/۲۵

* * *

قیام عاشورا، اسوه آزادگان (کَلَّ یوم عاشورا و کَلَّ ارض کربلا)

حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می‌دانست که در این راه که می‌رود، راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می‌دانست. اگر نبود این نهضت؛ نهضت حسین - علیه السلام - یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند. و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند. سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی‌امیه شد، علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قَلَّت عددنترسید، عدد، کار پیش نمی‌برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد، اعدای مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می‌برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ. و افراد

ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت توانا باشند و سرافراز. (۷۴)

۶۱/۷/۲۵

* * *

امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائزانه می‌کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد بپاخیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید. (۷۵)

۵۷/۹/۱

* * *

حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند، و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چگونه تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چگونه باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود باید چگونه باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیمقدار او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد، باید چه کرد. باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ یا باید همانطوری که زینب - سلام الله علیها

- در دنباله آن مصیبت بزرگی که تُصَعَّرُ عِنْدَهُ الْمَضَائِبُ،^(۱) ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین - سلام الله علیه - با آن حال نقاقت، آنطوری که شایسته است تبلیغ کرد. (۷۶)

۶۱/۷/۲۵

* * *

سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین - سلام الله علیه - کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است.

آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور، نباید زنها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب - سلام الله علیها - ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی‌امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند،^(۲) و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد - سلام الله علیه - رفت^(۳) و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیهٔ مقابلهٔ غیر حق با حق نیست؛ یعنی، ما را بد معرفی کرده‌اند؛ سیدالشهدا را می‌خواستند معرفی کنند که یک

۱. مصیبت‌های دیگر در کنار آن کوچکنند.

۲. ر. ک. سیدین طاوس؛ اللهوف علی قتل الطفوف؛ ص ۱۸۱؛ ابو منصور طبرسی؛ همچنین با اندکی اختلاف در: احتجاج؛ ج ۲، ص ۳۴-۳۶.

۳. ر. ک. عمادالدین طبری؛ کامل بهایی؛ ص ۳۰۰-۳۰۱.

۶۰ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم.

تکلیف ماها را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است: در میدان جنگ از قَلت عدد نترسید، از شهادت نترسید. هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده انسان، به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند. (۷۷)

۶۱/۷/۲۵

* * *

امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت. (۷۸)

۵۸/۷/۳۰

* * *

در حالی که شهادت حضرت سیدالشهدا از همه خسارت‌ها بالاتر بود ولی چون او می دانست که چه می کند و کجا می رود و هدفش چیست، فداکاری کرد و شهید شد و ما هم باید روی آن فداکاری‌ها حساب کنیم که سیدالشهدا چه کرد و چه بساط ظلمی را به هم زد و ما هم چه کرده ایم! (۷۹)

۶۱/۷/۲۲

* * *

سیدالشهدا - سلام الله علیه - وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی،

جائری، در بین مردم دارد حکومت می‌کند، تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که یک حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می‌تواند؛ با چند نفر، با چندین نفر، که در مقابل آن لشکر و بساط، هیچ نبود. لکن تکلیف اینطور می‌دانست که باید قیام بکند و خونس را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این عَلم یزید را بسواباند و همین طور هم کرد و تمام شد. خونس را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد در راه، برای اسلام. مگر خون ما رنگینتر از خون سیدالشهداست؟ ما چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم یا از اینکه جان می‌دهیم؟ آنها هم در ... سلطان جائری که می‌گفت: مسلمانم، مسلمانی یزید هم مثل مسلمانی شاه بود؛ اگر بهتر نبود بدتر نبود لکن چون با ملت آنطور می‌کرد و مردی بود متعدی و ظالم، و ملت را می‌خواست زیر بار اطاعت خودش بی‌جهت ببرد، سیدالشهدا لازم می‌بیند که سلطان جائر را سراغش برود ولو اینکه جان بدهد. (۸۰)

۵۷/۸/۳

* * *

دستور است. آن دستور عمل امام حسین - سلام الله علیه - دستور است برای همه: **كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ؛ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ** دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را. امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه»

محفوظ بماند. (۸۱)

۵۸/۷/۳۰

* * *

این کلمه «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ» یک کلمه بزرگی است که اشتباهی می‌فهمند. آنها خیال می‌کنند که یعنی هر روز باید گریه کرد! لکن این محتوایش غیر از این است. کربلا چه کرد، ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد، همه زمینها باید آنطور باشند. نقش کربلا این بود که سیدالشهدا - سلام‌الله علیه - با چند نفر جمعیت و عدد معدود، آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار. در مقابل امپراتور زمان ایستادند و فداکاری کردند و کشته شدند، لکن ظلم را قبول نکردند، و شکست دادند یزید را. همه جا باید اینطور باشد. همه روز هم باید اینطور باشد. همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشوراست و ما باید مقابل ظلم بایستیم؛ و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته؛ انحصار به یک افراد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه زمینها باید این نقشه را اجرا کنند، و همه روزها غفلت نکنند. ملتها باید غفلت نکنند از اینکه همیشه باید مقابل ظلم باشند. (۸۲)

۵۸/۷/۴

* * *

ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور

کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت کردند، که آنچه ما امروز می‌بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته‌اند و در راه دین خدا یک چنان مصیبتی را تحمل کرده‌اند. شما امروز چه می‌گویید؟ از چه می‌ترسید؟ برای چه مضطربید؟ عیب است برای کسانی که ادعای پیروی از حضرت امیر - علیه السلام - و امام حسین علیه السلام - را دارند، در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت‌آمیز دستگاه حاکمه، خود را ببازند. (۸۳)

۴۲/۱/۲

* * *

نهضت ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و بیدار و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند، و ملت بزرگ را چنان هوشیار و متحرک و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه‌پرستان ربود و حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. (۸۴)

۵۶/۱۱/۲

* * *

امروز مطلب مهم است. از مهماتی است که جان باید پایش داد. همان مهمی است که سیدالشهدا جانش را داد برایش، همان مهمی است که

پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت برایش کشید، همان مهمی است که حضرت امیر - سلام الله علیه - هجده ماه با معاویه جنگ کرد در صورتی که معاویه دعوی اسلام می‌کرد... برای اینکه یک سلطان جائر بود، برای اینکه یک دستگاه جائر بود، باید به زمینش بزند. آنقدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آنقدر از آنها را هم کشت؛ برای چه؟ برای اینکه اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند. (۸۵)

۵۷/۱۱/۱۳

* * *

ما که از سیدالشهدا بالاتر نیستیم؛ آن وظیفه‌اش را عمل کرد، کشته هم شد. (۸۶)

۵۸/۱/۲۹

* * *

خاطره تلخ ۱۷ شهریور ۵۷ و خاطره تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت میوه شیرین سرنگونی کاخهای استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین، عاشورا قیام عدالتخواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی است در هر روز و در هر سرزمین. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهایی که

خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر. و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مژده‌ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان، اگر چه با عده‌ای قلیل، علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است؛ و مژده که شهادت رمز پیروزی است. ۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید؛ و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای‌نشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با اراده مصمم و مشت محکم، بقایای رژیم ستمکار و توطئه‌گران جیره‌خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم. (۸۷)

۵۸/۶/۱۶

* * *

ملت عظیم‌الشأن در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطع انقلاب ساز است. (۸۸)

۶۱/۳/۱۵

الآن هم می بینید که در جبهه‌ها وقتی که نشان می دهند آنها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه‌ها را گرم نگه می دارند. (۸۹)

۶۱/۷/۲۵

* * *

اکنون ملت ما دریافته است که: «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا». مجالس حال و دعای اینان شب عاشوراهای اصحاب سیدالشهدا را در دل زنده می‌کند. (۹۰)

۶۱/۱/۱۰

* * *

امام حسین - علیه السلام - با خون خود اسلام را زنده کرده، شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید. (۹۱)

۶۲/۲/۲۶

* * *

ما در عین حالی که جوانهای بسیار لایق خودمان را، مردان کاردان خودمان را از دست دادیم، لکن آن چیزی که به دست آوردیم ارزشش بیشتر از این معانی است. آنی است که سیدالشهدا - سلام الله علیه - زن و فرزند خودش را فدای او کرده، آنی است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - زندگانی خودش را در راه او صرف کرد، و ائمه معصومین ما در راه او آن همه رنج دیدند. (۹۲)

۶۲/۸/۱

فصل دوم

فلسفه عزاداری و روضه خوانی

بدانند آنچه دستور ائمه - علیهم السلام - برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی‌امیه - لعنة الله علیهم - با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم‌شکن است. (۹۳)

۶۸/۳/۱۵

* * *

گریه کردن بر شهید؛ نگه‌داشتن زنده نگه داشتن نهضت است اینک در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند، یا به صورت گریه‌دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است. این برای این است که حتی آنی که با صورت گریه‌دار خودش را، صورتش را می‌کند یک حال حزن به خودش می‌دهد و صورت گریه‌دار به خودش می‌دهد، این نهضت را دارد حفظ می‌کند؛ این نهضت امام حسین - سلام الله علیه - را

حفظ می‌کند. (۹۴)

۵۸/۷/۳۰

* * *

ما تا ابد هم اگر برای سیدالشهدا گریه بکنیم، برای سیدالشهدا نفعی ندارد، برای ما نفع دارد، همین نفع دنیایی‌اش را شما حساب بکنید، آخرتی‌اش جای خودش، همین نفع دنیایی‌اش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می‌کند. (۹۵)

۵۸/۸/۲۹

* * *

شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا. نه سیدالشهدا احتیاج به این گریه‌ها دارد و نه این گریه‌ها خودش - فی نفسه - کاری از آن می‌آید، لکن این مجلسها مردم را همچو مجتمع می‌کنند و یک وجهه می‌دهند، سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصاً دهه عاشورا، یک وجهه، طرف یک راه می‌روند. اینها را در این ماه محرم، خطبا و علما در سرتاسر کشور می‌توانند بسیج کنند برای یک مسأله. این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه‌های دیگری که هست. بی‌خود بعضی از ائمه ما نمی‌فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند. بی‌خود نمی‌گویند ائمه ما به اینکه هر کس که بگیرد، بگیراند یا صورت گریه، گریه کردن به خودش [بگیرد] اجرش فلان فلان است. مسأله، مسأله گریه نیست. مسأله، مسأله تباکی نیست. مسأله، مسأله سیاسی است

که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند از راه‌های مختلف. اینها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند. (۹۶)

۵۹/۸/۱۴

* * *

اینکه بعضی از ائمه - شاید امام باقر بوده، من الآن خوب یادم نیست - می‌فرماید که برای من یک نفر نوحه سرا در منی بگذارید که آنجا برای من گریه بکند و عزا بگیرد،^(۱) نه این است که حضرت باقر - سلام الله علیه - احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصاً فایده‌ای داشته است، لکن جنبه سیاسی او را ببینید. در منی آن وقتی که از همه اقطار عالم آدم می‌آید آنجا، یک کسی بنشیند یا اشخاصی نوحه سرایی کنند برای امام باقر و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را - مثلاً - به شهادت رساندند، ذکر کند و این مسأله موجی باشد در همه دنیا. این مجالس عزا را دست کم گرفتند. (۹۷)

۶۱/۳/۳۰

* * *

حضرت باقر - سلام الله علیه - وقتی که می‌خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال - ظاهراً - که در منی اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه‌ای است؟ حضرت باقر احتیاج به

این کار دارد و نه آن است که فقط برای ثواب بردن شما و مستمعین شما باشد. گرچه همه ثوابها هست، لکن چرا این ثواب برای این مجالس عزا آنقدر عظیم قرار داده شده است، و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباهی، آنقدر ثواب داده است؟ کم‌کم مسأله از دید سیاسی‌اش معلوم می‌شود و ان‌شاءالله بعدها بیشتر معلوم می‌شود.

اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزا، برای نوحه‌خوانی، برای اینها، اینهمه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عبادیش و روحانیش، یک مسأله مهم سیاسی در کار بوده است. آن روزی که این روایات صادر شده است، روزی بوده است که این فرقه‌ناجیه مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قدرتهای بزرگ در آن وقت، برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمانده است و آن، نقل از منابع وحی [است] به اینکه برای این مجالس اینقدر عظمت است و برای این اشکها آنقدر در دور و بر این اشکها و عزاداریها، شیعیان با اقلیت آنوقت اجتماع می‌کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی‌دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریتها [بود]. و در طول تاریخ، این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری [در] کشورها است، کشورهای اسلامی است و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه است، در مقابل حکومتهایی که پیش

→ است که فرمود: هیچ بنده‌ای برای ما اشکی نریزد مگر آنکه خداوند به سبب آن، او را روزگاری در بهشت فرود آورد. بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۲۷۹.

می‌آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می‌ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود. (۹۹)

۶۱/۳/۳۱

* * *

شاید غریبه‌ها به ما می‌گویند که «ملت‌گریه» و شاید خودیها نمی‌توانند تحمل کنند که یک قطره اشک مقابل چقدر ثواب است. یک مجلس عزا چقدر ثواب دارد. نتوانند هضم کنند و نتوانند هضم کنند آن چیزهایی که برای ادعیه ذکر شده است و آن ثوابهایی که برای دو سطر دعا ذکر شده است. نمی‌توانند این را ادراک کنند و هضم کنند. جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به یک نقطه، این، این است که یک ملت را بسیج می‌کند برای یک مقصد اسلامی. مجلس عزا نه برای این است که گریه کنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند - البته این هم هست و دیگران را اجر اخروی نصیب کند - بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این [که] اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند. (۱۰۰)

۶۱/۳/۳۱

* * *

سایر مردم، اینهایی که مسجد می‌آیند، منبر را گوش می‌کنند، مطالب را

گوش می‌کنند، همچو که به روزه می‌رسند، رد می‌شوند می‌روند، این از باب این [است] که ملتفت نیستند چه هست آن. روزه است که این محراب، که این منبر، را حفظ کرده. اگر آن روزه نبود، این منبر هم نبود، این مطالب هم نبود، آن حفظ کرده. ما باید به شهیدمان گریه کنیم؛ فریاد کنیم؛ مردم را بیدار کنیم.

البته یک مطلبی هم که باید بین همه ما باید باشد این است که این نکته را به مردم بفهمانیم همه‌اش قضیه این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم، قضیه این است که ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. سیدالشهدا هم که کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند. شما هم که دارید نوحه خوانی می‌کنید، حرف می‌زنید، خطبه می‌خوانید، نوحه می‌خوانید، مردم را به گریه وادار می‌کنید، مردم هم که گریه می‌کنند؛ همه روی این مقصد باشد که این اسلام را ما می‌خواهیم با همین هیاهو حفظش کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه خوانی، با این شعرخوانی، با این نثرخوانی، ما می‌خواهیم این مکتب را حفظ کنیم. چنانچه تا حالا هم حفظ شده. باید این نکته هم به مردم گفته بشود، تذکر داده بشود، که آقا قضیه روزه خوانی قضیه این نیست که من یک چیزی بگویم و یکی هم گریه کند، قضیه این است که با گریه حفظ شده است این، با گریه این حفظ شده، حتی «تباکی» هم ثواب دارد. خوب، تباکی چرا ثواب دارد، برای اینکه تباکی کمک می‌کند به این مکتب؛ کمک به مکتب می‌کند. (۱۰۱)

و چنانچه، واقعاً بفهمند و بفهمانند که مسأله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه اینقدر ارج پیدا کرده و اجر پیش خدا دارد، آن وقت ما را «ملت گریه» نمی‌گویند، ما را «ملت حماسه» می‌خوانند. اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد - سلام‌الله علیه - که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه‌ای که از او باقی مانده است، چه کرده است و چطور می‌تواند تجهیز بکند، به ما نمی‌گفتند که ادعیه برای چیست؟ اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت جنبه سیاسی و اجتماعی‌اش چیست، نمی‌گویند که برای چه این کار را بکنیم. (۱۰۲)

۶۱/۳/۳۱

* * *

این مطلبی که الآن القا کرده‌اند به جوانهای ما که تا کی گریه و تا کی روضه و اینها؟! بیایید تظاهر کنیم. اینها نمی‌فهمند روضه چیست؛ و این اساسی [را] کی تا حالا نگه داشته است، این را نمی‌فهمند، و نمی‌شود هم بهشان بفهمانیم. اینها نمی‌فهمند که این روضه و این گریه آدم‌ساز است؛ انسان درست می‌کند. این مجالس روضه، این مجالس عزای سیدالشهدا این آن تبلیغات بر ضد ظلم، این تبلیغ بر ضد طاغوت است. بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد. (۱۰۳)

۵۸/۷/۴

* * *

اهمیت و نقش عزاداری در احیای اسلام و مکتب سیدالشهدا

همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین، بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر -علیهم صلوات الله و سلم- [است]. (۱۰۴)

* * *

سفارش اکید ائمه مسلمین - علیهم السلام - بر اقامه عزای سید مظلومان تا آخر ابد و فریاد مظلومیت آل بیت رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - ظالمیت بنی امیه - علیهم لعنة الله - با آنکه بنی امیه منقرض شده‌اند، فریاد مظلوم بر سر ظالم است. و این پرخاش و فریاد باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزیدیان واضح و ملموس است. (۱۰۵)

۶۵/۵/۱۶

* * *

خدای عالم چون دید بنای دین را ماجراجویان صدر اول متزلزل کردند و جز چند نفر معدودی به جا نماند حسین بن علی را برانگیخت و با جانفشانی و فداکاری ملت را بیدار کرد و ثوابهای بسیار برای عزاداران او مقرر کرد تا مردم را بیدار نگه دارند و نگذارند اساس کربلا که پایه‌اش بر بنیان‌کنند پایه‌های ظلم و جور و سوق مردم به توحید و معدلت بود کهنه شود با این حال لازم است که برای عزاداری که شالوده‌اش بر این اساس

ریخته شده چنین ثوابهایی مقرر شود که مردم با هر فشار و سختی هم هست از آن دست برندارند وگرنه با سرعت برق زحمت‌های حسین بن علی را هم پایمال می‌کردند که به پایمال کردن آن زحمت‌های پیغمبر اسلام و کوششهایی که برای تأسیس اساس تشیع کرده بود بکلی پایمال می‌شد پس فرضاً که مزدهایی را که خدا می‌دهد در مقابل سودی باشد که از عمل به دست می‌آید سودی که از این عمل به دست آمده و می‌آید بقای دین حق و اساس تشیع است که سعادت دنیا و آخرت جهانیان بسته به آن است و با نظر به وضعیت شیعه در آن زمان و فشارهای گوناگون از مخالفان علی بن ابیطالب به پیروان او قیمت این عمل بیش از آنست که به تصور ما درآید و خدای جهان برای آنها ثوابها و مزدهایی تهیه فرموده که هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده و این کمال عدالت است. (۱۰۶)

* * *

این خون سیدالشهداست که خونهای همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دسته‌جات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. در این امر، سستی نباید کرد. (۱۰۷)

۶۰/۸/۴

* * *

حق پیروز است. حق پیروز است. منتها ما رمز پیروزی را باید پیدا بکنیم که رمز پیروزی ما چه بوده است. و رمز بقای شیعه در این طول زمان - از

زمان امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - تا حالا - در زمانهایی که شیعه جمعیتش کم بوده است، ناچیز بوده است. حالا - الحمدلله - زیاد است. اما آن وقت کم بوده. نه اینکه زیاد در مقابل دیگران. باید ببینیم رمز بقای این مذهب و بقای ممالک اسلامی، ممالک شیعی چه بوده است. ما باید آن رمز را حفظش بکنیم. یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است، قضیه سیدالشهداست. ... باید این رمز را حفظ بکنیم. این مجالسی که در طول تاریخ برپا بوده است و با دستور ائمه - علیهم السلام - این مجالس بوده است، خیال نکنند بعضی از این جوانهای ما که این مجالس، مجالسی بوده است که گریه در آن بوده است؛ حالا ما باید گریه دیگر نکنیم. این یک اشتباه است که می‌کنند. (۱۰۸)

۵۸/۸/۲۹

* * *

اساسی که همه چیز را تا حالا نگه داشته، اوست. پیغمبر هم فرمود که انا مِنْ حُسَيْنٍ یعنی دیانت را او نگه می‌دارد، و این فداکاری دیانت اسلام را نگه داشته است، و ما باید نگهش داریم. این جوانها توجه ندارند، البته یک دسته‌اند [که] تزریق به اینها شده از [طرف] اشخاصی که می‌خواهند نباشد، این اساس [نباشد] می‌خواهند روضه را از بین ببرند، روضه نخوانید دیگر! روضه‌خوانی نکنید دیگر؛ صحبت کنید. اینها نمی‌دانند که روضه‌خوانی است که عواطف مردم را همچو تهییج می‌کند که برای همه چیز حاضرند. وقتی مردم دیدند که سیدالشهدا جوانهایش را آنطور قطعه قطعه کردند و آنطور جوانهای خودش را داد، برای مردم آسان می‌شود که جوان بدهند. و با این حس شهادت دوستی این معنی را ملت ما پیش برد.

و رمز همین معنایی بود که از کربلا منعکس شد به همه جهاتی که ما داشتیم، به همه ملت ما؛ و همه آرزوی شهادت می کردند؛ همان شهادتی که سیدش سیدالشهدا بود. اینها نمی فهمند که اینهاست که نگه داشته است. آنهایی که می فهمند تزریق می کنند و دیگران را گول می زنند. (۱۰۹)

۵۸/۷/۴

* * *

روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است. آن کسانی که می گویند روضه سیدالشهدا را نخوانید اصلاً نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی دانند یعنی چه؛ نمی دانند این گریه ها و این روضه ها حفظ کرده این مکتب را. الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها و با این روضه ها و با این مصیبتها و با این سینه زنیها ما را حفظ کرده اند؛ تا حالا آورده اند اسلام را. این عده از جوانهایی که اینطور نیستند که سوء نیت داشته باشند خیال می کنند حالا باید ما حرف روز بزیم! حرف سیدالشهدا حرف روز است، همیشه حرف روز است، همیشه حرف روز را سیدالشهدا آورده است دست ماها داده و سیدالشهدا را این گریه ها حفظ کرده است و مکتبش را، این مصیبتها و داد و قالها حفظ کرده؛ این سینه زنیها و این دستجات، و عرض می کنم اینها حفظ کرده. اگر فقط مقدسی بود و توی اتاق و توی خانه می نشست برای خودش و هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند، نمانده بود چیزی، هیاهو می خواهد.

هر مکتبی هیاهو می خواهد، باید پایش سینه بزنند، هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زد

نباشد، حفظ نمی شود. اینها اشتباه می کنند، بچه اند اینها! نمی دانند که این نقش روحانیت و نقش اهل منبر چی هست در اسلام، خودتان هم شاید خیلی ندانید! این نقش یک نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته، آن گلی است که هی آب به آن می دهند زنده نگه داشته، این گریه ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را؛ این ذکر مصیبتها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را. ما باید برای یک شهیدی که از دستمان می رود عَلم بپا کنیم، نوحه خوانی کنیم، گریه کنیم؛ فریاد کنیم. دیگران می کنند، دیگران فریاد می زنند وقتی یکی از آنها کشته بشود. فرض کنید که از یک حزبی یکی کشته بشود، میتینگها می دهند؛ فریادها می کنند. این یک میتینگ و فریادی است برای احیای مکتب سیدالشهدا. و اینها ملتفت نیستند. توجه ندارند به مسائل.

همین گریه ها نگه داشته این مکتب را تا اینجا و همین نوحه سرایی ها، همینهاست که ما را زنده نگه داشته، همینهاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود، این نهضت هم پیش نمی برد، سیدالشهدا همه جا هست: کُلُّ اَرْضٍ کربلا. همه جا محضر سیدالشهدا است، همه منبرها محضر سیدالشهدا است، همه محرابها از سیدالشهدا است. ... امام حسین نجات داد اسلام را. ما برای یک آدمی که نجات داده اسلام را و رفته کشته شده هی سکوت کنیم؟ ما هر روز باید گریه کنیم، ما هر روز باید منبر برویم برای حفظ این مکتب، برای حفظ این نهضتها؛ این نهضتها مرهون امام حسین - سلام الله علیه - هست. (۱۱۰)

از این هماهنگ‌تر چی؟ شما در کجا سراغ دارید که ملتی این‌طور هماهنگ بشود؟ کی اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سیدالشهدا هماهنگ کرده است. در تمام کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی در روز عاشورا و تاسوعا و مثلاً بیست و هشتم و ... این دستجات با آن عظمت - البته جهات غیرشرعی‌اش باید حساب بشود، باید جهات شرعی محفوظ بماند - این دستجات با آن عظمت، با آن محتوا همه جا [راه می‌افتند] کی می‌تواند یک چنین اجتماعی درست کند؟ در کجای عالم شما سراغ دارید که این مردم این‌طور هماهنگ باشند. بری هندوستان همین بساط. بری پاکستان همین بساط. بری اندونزی همین بساط. بری عراق همین بساط. بری افغانستان. هر جا بری همین بساط. کی اینها را هماهنگ کرده؟ این هماهنگی را از دست ندهید. (۱۱۱)

۵۸/۸/۲۹

* * *

در این مجالس عزا و سوگواری و نوحه‌سرایی برای سید مظلومان و اظهار مظلومیت؛ یک کسی که برای خدا و برای رضای او جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، اینطور ساخته جوانانی را که می‌روند در جبهه‌ها و شهادت را می‌خواهند و افتخار به شهادت می‌کنند و اگر شهادت نصیبشان نشود متأثر می‌شوند و آنطور مادران را می‌سازد که جوانهای خودشان را از دست می‌دهند و باز می‌گویند باز هم یکی دو تا داریم. این مجالس عزای سیدالشهداست و مجالس دعا و دعای کمیل و سایر ادعیه است که می‌سازد این جمعیت را اینطور، و اساس را اسلام از اول بنا کرده است به طوری که با همین ایده و با همین

برنامه به پیش برود. (۱۱۲)

۶۱/۳/۳۱

* * *

حالا یک دسته‌ای آمده‌اند می‌گویند که نه، دیگر روضه نخوانید! نمی‌فهمند اینها که روضه یعنی چه. اینها ماهیت این عزاداری را نمی‌دانند چیست. نمی‌دانند که این نهضت امام حسین آمده تا اینجا، تا این نهضت را درست کرده.

این تابع، این یک شعاعی است از آن نهضت. نمی‌دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت، و زنده نگه داشتن همین معنا [ست] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد. مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه‌ها و جوانهای ما خیال نکنند که مسأله، مسأله «ملتِ گریه» است! این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملتِ گریه»! آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم هستند؛ قیام کرده‌اند. (۱۱۳)

۵۸/۷/۳۰

* * *

در آن وقت،^(۱) یکی از حرفها که هی رایج بود، می گفتند: «ملتِ گریه»؛ برای اینکه مجالس روضه را از دستشان بگیرند. اینکه همه مجالس روضه را آن وقت تعطیل کردند، آن هم به دست کسی که خودش در مجالس روضه می رفت و آن بازیها را در می آورد، قضیه مجلس روضه بود یا از مجلس روضه آنها یک چیز دیگر می فهمیدند و آن را می خواستند از بین ببرند؟ قضیه عمامه و کلاه بود یا از عمامه یک چیز دیگری آنها می فهمیدند و روی آن میزان عمامه را با آن مخالفت می کردند؟ آنها فهمیده بودند که از این عمامه یک کاری می آید که نمی گذارد اینها این را که می خواهند، عمل کنند و از این مجالس عزاداری یک کاری می آید که نمی گذارد اینها کارشان را انجام بدهند.

وقتی یک ملت در ماه محرم، سرتاسر یک مملکت، یک مطلب را می گویند، شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا. نه سیدالشهدا احتیاج به این گریه ها دارد و نه این گریه ها خودش - فی نفسه - کاری از آن می آید، لکن این مجلسها مردم را همچو مجتمع می کنند و یک وجهه می دهند، سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصاً دهه عاشورا، یک وجهه، طرف یک راه می روند. اینها را در این ماه محرم، خطبا و علما در سرتاسر کشور می توانند بسیج کنند برای یک مسأله. این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه های دیگری که هست. (۱۱۴)

۵۹/۸/۱۴

اینها می‌بینند که این مجالس، مجالس روضه، ذکر مصایب مظلوم و ذکر جنایات ظالم، در هر عصری [مظلومان را] مقابل ظالم قرار می‌دهد. اینها ملتفت نیستند که اینها خدمت دارند می‌کنند به این کشور؛ خدمت دارند می‌کنند به اسلام.

توجه ندارند جوانهای ما! بازی این بزرگها را نخورید. اینها خیانتکارانند! اینهایی که تزریق می‌کنند به شما «ملت‌گریه»، «ملت‌گریه»، اینها خیانت می‌کنند. بزرگهایشان و اربابهایشان از این گریه‌ها می‌ترسند؛ دلیلش این است که رضاخان آمد همه اینها را برد از بین، و مأمور بود. دلیلش این است که رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در رادیوی دهلی اعلام کرد که ما این را آوردیم، حالا هم بردیم! درست هم می‌گفتند. آورده بودند برای سرکوب کردن اسلام، و یکی از راههایش همین بود که این مجالس را از دست شما بگیرند. جوانهای ما خیال نکنند که دارند یک خدمتی می‌کنند می‌روند توی مجلس اگر صحبت عزا بشود، می‌گویند نه، این را نگو، غلط است این حرف، باید این را بگوید، باید این ظلمها را بگوید، تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت؛ و باید هر روز این کار بشود. این جنبه سیاسی دارد؛ جنبه اجتماعی دارد. (۱۱۵)

۵۸/۷/۳۰

* * *

در دفعه اول که مرا از قم گرفتند و بردند، در بین راه بعضی از این مأمورینی که بودند در آن اتومبیل من، می‌گفت که ما که آمدیم سراغ شما،

از این چادرهایی^(۱) که در قم بود، می‌ترسیدیم که مبادا اینها مطلع بشوند و ما نتوانیم انجام وظیفه کنیم. اینها که هیچ، قدرتهای بزرگ از این چادرها می‌ترسند. قدرتهای بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند، خود به خود ملت را به هم جوشانده‌اند در سراسر یک کشور، کشور پهناور، در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، [می‌ترسند]. این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است. و اگر یک مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید، سرتاسر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یکدفعه منتشر می‌شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می‌شود که سازمان داده شده باشد. اگر قدرتهای بزرگ در منطقه‌های خودشان بخواهند که یک اجتماعی ایجاد کنند، با فعالتهای زیادی که شاید چند روز یا چند دهه می‌کنند، در یک شهری، یک عده - فرض کنید - صد هزار نفری، پنجاه هزار نفری با خرجهای زیاد و زحمتهای زیاد مجتمع می‌شوند و به قول آن کسی که می‌خواهد صحبت کند، گوش می‌دهند. لکن شما می‌بینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است، این مجالس عزایی که مردم را به هم جوش داده است، به مجرد اینکه یک مطلبی پیش می‌آید، در یک شهر نه، در سرتاسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهدا مجتمع می‌شوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات

۱. مقصود خیمه‌هایی است که برای عزاداری امام حسین - علیه‌السلام - در محرم بر پا می‌شود.

بشود ندارد؛ با یک کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهدا - سلام الله علیه - بیرون می آید همه با هم مجتمع می شوند. (۱۱۶)

۶۱/۳/۳۱

* * *

نقش عزاداری در حفظ ملت و کشور

عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید. (۱۱۷)

۶۰/۸/۴

* * *

تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزاء و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمعند. (۱۱۸)

۶۱/۷/۲۵

* * *

این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصه کربلا هست، این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا. و بزرگترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متحد می شوند. اگر خوب راهش ببریم، ما برای این هماهنگی پیروز

هستیم. و قدر این را باید بدانیم. و جوانهای ما توجه به این مسائل داشته باشند. (۱۱۹)

۵۸/۸/۲۹

* * *

همین مساجد و همین روضه‌ها و همین روضه‌های هفتگی، همینها توجه مردم را و همان هماهنگی را ایجاد می‌کند. اگر دولتهای دیگر بخواهند هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسور نیست برایشان. با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسور نیست.

ما را سیدالشهدا این طور هماهنگ کرده. ما برای سیدالشهدایی که این طور هماهنگ کرده اظهار تأسف نکنیم، ما گریه نکنیم؟ همین گریه‌ها ننگه داشته ما را. گول این شیاطینی که می‌خواهند این حربه را از دست شما بگیرند گول اینها را نخورند جوانهای ما. همینها هست که ما را حفظ کرده. همینها هست که مملکت ما را حفظ کرده. (۱۲۰)

۵۸/۸/۲۹

* * *

حق پیروز است. حق پیروز است. منتها ما رمز پیروزی را باید پیدا بکنیم که رمز پیروزی ما چه بوده است. و رمز بقای شیعه در این طول زمان - از زمان امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - تا حالا ...

یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است، قضیه سیدالشهداست... اگر ما بخواهیم مملکتمان یک مملکت مستقلی باشد، یک مملکت آزادی باشد، باید این رمز را حفظ بکنیم.

این مجالسی که در طول تاریخ برپا بوده است و با دستوراتی -علیهم السلام- این مجالس بوده است، خیال نکنند بعضی از این جوانهای ما که این مجالس، مجالسی بوده است که گریه در آن بوده است؛ حالا ما باید گریه دیگر نکنیم. این یک اشتباه است که می‌کنند. (۱۲۱)

۵۸/۸/۲۹

* * *

تقریباً ما به این مرتبه رسیده‌ایم که ملت ما یکدفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یکدفعه یک انفجاری حاصل شد که این انفجار در برکت همین مجالسی [بود] که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع می‌کرد و همه به یک نقطه نظر می‌کردند. (۱۲۲)

۶۱/۳/۳۱

* * *

اینها چنانچه ملی هستند - ما کار نداریم که آیا به خدا هم کار دارند یا نه - اگر ملی هستند، اگر کشورشان را می‌گویند می‌خواهیم، اگر ملت را می‌گویند که ما می‌خواهیم، اینها باید دامن بزنند به این روضه‌خوانیها، برای اینکه این روضه‌خوانیها این ملت شما را حفظ کرده، این روضه‌خوانیها و مصیبت و گریه است که کشور شما را حفظ کرده. (۱۲۳)

۵۸/۴/۱۷

ملت ما قدر این مجالس را بدانند، مجالسی است که زنده نگه می‌دارد ملت‌ها را. در ایام عاشورا زیاد و زیادت‌تر و در سایر ایام هم غیر این ایام متبرکه، هفته‌ها هست و جنبش‌های این طوری هست. اگر بُعد سیاسی اینها را اینها بفهمند، همان غریزه‌ها هم مجلس بپا می‌کنند و عزاداری می‌کنند، چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند. من امیدوارم که هر چه بیشتر و هر چه بهتر این مجالس برپا باشد. (۱۲۴)

۶۱/۳/۳۱

* * *

ملت ما را این مجالس حفظ کرده. بیخود نبود که رضاخان - مأمورین ساواک رضاخان - تمام مجالس عزا را قَدَغَن کردند. این همین طوری نبود. رضاخان همچو نبود که از اصل مخالف با این مسائل بشود، رضاخان مأمور بود، مأمور بود [برای] آنهایی که کارشناس بودند؛ آنهایی که ملتفت بودند مسائل را. دشمنهای ما، که مطالعه کرده بودند در حال ملت‌ها و مطالعه کرده بودند در حال ملت شیعه، می‌دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این نوحه سراییهای بر مظلوم هست و تا آن افشاگری ظالم هست، نمی‌توانند برسند به مقاصد خودشان. زمان رضاخان قدغن کردند، به طوری که تمام مجالس در ایران قدغن شد، کارهای خودشان را انجام دادند. دست اهل منبر را، دست علما را بستند و نگذاشتند که اینها تبلیغات خودشان را بکنند؛ و آنها تبلیغات را از آن طرف شروع کردند، و ما را به عقب راندند و تمام مخازن ما را به چپاول بردند. در زمان محمدرضا هم به همین معنا، منتها با فرم دیگر، به فرم دیگر، نه با آنطور سرنیزه، به یک جور دیگر، این طایفه را می‌خواستند کنار بگذارند. حالا

هم همانها [هستند] منتها جوانهای ما را بازی می دهند. همان مسأله است.
همان مسأله زمان رضاخان است که مجالس را او قدغن کرد. (۱۲۵)

۵۸/۷/۳۰

* * *

شماگمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی
و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵
خرداد را آنطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا. و هیچ قدرتی
نمی تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه
قدرتهای بزرگ برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خنثی کند، الا
همین مجالس عزا. (۱۲۶)

۶۱/۳/۳۰

* * *

راهپیمایی، عزاداری را از شما نگیرد. عزاداری کنید و با عزاداری راه
بروید. همه با هم مجتمع بشوید به عزاداری. وقتی کلمه راهپیمایی پیش
می آید، خیال نکنید که معنایش این است که عزاداری نمی خواهیم. ما از
همین اسلام و مظاهر اسلام و شهدای اسلام می توانیم کارهایمان را انجام
بدهیم، والا نه توپ ما و نه تانک ما مقابله با تانک و توپ امریکا ندارد،
شوروی ندارد. (۱۲۷)

۵۹/۸/۲۵

* * *

بزرگداشت قیام عاشورا، از شعائر الهی است

مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوهتر و فشردهتر برپا شود، و بیرقهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود. (۱۲۸)

۵۷/۹/۱

* * *

و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچگاه غفلت نکنند. (۱۲۹)

* * *

مجالس عزا را با همان شکوهی که پیشتر انجام می‌گرفت و بیشتر از او، حفظ کنید. (۱۳۰)

۵۹/۸/۱۴

* * *

مجالس را، مجالس عزا را، دسته‌جات را به طور کامل و شایسته

ان شاء الله، حفظ کنیم. (۱۳۱)

۶۱/۷/۲۵

* * *

مجالس سوگواری ائمه اطهار - علیهم السلام - را باید حفظ کنید، اینها را باید حفظ کنید. اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلمفرسوها! بازیتان ندهند این اشخاصی که با اسماء مختلفه و با مرامهای انحرافی می خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند. (۱۳۲)

۵۸/۷/۳۰

* * *

مجالس سرجای خودش باید باشد و مجالس عزا باید باشد و اهل منبر باید این شهادت امام حسین - سلام الله علیه - را زنده نگه دارند و ملت باید با همه قدرت این شعائر اسلامی را، خصوصاً این را، زنده نگه دارند. با زنده نگه داشتن او، اسلام زنده می شود. (۱۳۳)

۵۹/۸/۱۴

* * *

ما باید حافظ این سنتهای اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرّم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می افتند، [باشیم؛] تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. محرّم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سیدالشهدا - سلام الله علیه - است که اسلام را برای

ما زنده نگه داشته است؛ زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد. باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنتها را حفظ کنید. (۱۳۴)

۶۰/۸/۴

* * *

تکلیف آقایان است روضه بخوانند. تکلیف مردم است دسته‌های شکوهمند بیرون بیاورند. دسته‌های سینه‌زن شکوهمند. البته از چیزهایی که برخلاف [است] مثلاً چه هست، از آنها پرهیز کنند. اما دسته‌ها بیرون بیایند، سینه بزنند. هر کاری که می‌کردند بکنند. اجتماعاتشان را حفظ بکنند. این اجتماعات است که ما را نگه داشته. این هماهنگیها هست که ما را نگه داشته. گولشان می‌زنند این جوانهای عزیز صافدل را. می‌آیند توی گوشش می‌خوانند، خوب دیگر گریه می‌خواهیم چه کنیم؟ گریه می‌خواهیم چه کنیم یعنی چه؟ (۱۳۵)

۵۸/۸/۲۹

* * *

این دستجاتی که در ایام عاشورا راه می‌افتند خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راهپیمایی. راهپیمایی است خودش. اما راهپیمایی با یک محتوای سیاسی. همانطوری که سابق بود بلکه بالاتر. همان سینه‌زنی، همان نوحه‌خوانی، همانها رمز پیروزی ماست. در سرتاسر کشور مجلس

روضه باشد. همه روضه بخوانند. و همه گریه بکنند. (۱۳۶)

۵۸/۸/۲۹

* * *

ان شاء الله، روز عاشورا، که جمعیت بیرون بیاید، مراسم تعزیه حسین - سلام الله علیه - باید با قوت خودش باشد و در راهپیماییها، همه اش مراسم امام حسین - علیه السلام - باشد. (۱۳۷)

۵۹/۸/۲۵

* * *

خداوند همه شما را، همه ما را موفق کند که به راه اسلام باشیم و دعوت کنیم مردم را به اسلام و همه ملت ما را موفق کند که در این عاشورا، به همان سنتهای سابق عمل کنند. دستجات به همان طور قوت خودش، باقی باشد و دستجات سینه زنی و نوحه خوانی به همان قوت خودش باقی باشد و بدانید که حیات این ملت به همین روضه خوانیها، به همین اجتماعات، به همین دستجات است. (۱۳۸)

۶۰/۸/۴

* * *

توصیه به خطبا و نوحه سرایان و عزاداران

لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم سلام الله - به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر

یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی - لعنة الله و ملائکته و رسله علیهم - است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. (۱۳۹)

۶۸/۳/۱۵

* * *

اهل منبر - ایدهم الله تعالی - کوشش کنند در اینکه مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی - اسلامی، مسائل اجتماعی - اسلامی و روضه را دست از آن بردارید که ما با روضه زنده هستیم. (۱۴۰)

۵۹/۸/۴

* * *

گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همان طور که سابق می خواندند و مرثیه را همان طور که سابق می خواندند، بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری. (۱۴۱)

۶۰/۸/۴

* * *

در آخر منبر روضه را بخوانند و زیاد بخوانند؛ دو کلمه نباشد. همان طوری که در سابق عمل می شد، روضه خوانی بشود، مرثیه گفته بشود، شعر و نثر در فضایل اهل بیت و در مصائب آنها گفته بشود تا این مردم مهیا باشند؛ در صحنه باشند، بدانند که ائمه ما تمام عمرشان را صرف برای

ترویج اسلام کردند، اگر آنها یک سازش می‌خواستند بکنند، همه جهات مادی برایشان مهیا بود، لکن خودشان را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند. (۱۴۲)

۶۰/۸/۴

* * *

اینجا باید یک سخنی هم در خصوص عزاداری و مجالسی که به نام حسین بن علی به پا می‌شود بگوییم ما و هیچ یک از دینداران نمی‌گوییم که با این اسم هر کس هر کاری می‌کند خوب است چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کردند چنانچه همه می‌دانیم که در بیست و چند سال پیش از این عالم عامل بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبدالکریم^(۱) که از بزرگترین روحانیون شیعه بود در قم شبیه خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بسیار بزرگ را مبدل به روضه‌خوانی کرد و روحانیین و دانشمندان دیگر هم چیزهایی که برخلاف دستور دین بوده منع کرده و می‌کنند. (۱۴۳)

* * *

۱. آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ ه.ق.) از فقیهان بزرگ و مراجع تقلید شیعه در قرن چهارده هجری است. وی پس از تحصیلات مقدماتی به نجف و سامرا سفر کرد و در آنجا از درس استادانی چون: میرزای بزرگ شیرازی، میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی، سید کاظم یزدی و سید محمد اصفهانی فشارکی بهره گرفت. در سال ۱۳۳۲ ه.ق. به اراک آمد و در سال ۱۳۴۰ ه.ق. به قم مشرف گردید و به اصرار بزرگان آن سامان و پس از استخاره در آنجا رحل اقامت افکند و حوزه علمیه قم را تأسیس کرد. در حوزه درس ایشان عالمانی بزرگ تربیت شدند که حضرت امام خمینی(س) در صدر آنان جای دارند. از آثار اوست: درالفوائد در اصول، الصلوة، النکاح، الرضاع و الموارث در فقه.

باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید. البته اگر چنانچه یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید یک قدری تصفیه بشود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند. (۱۴۴)

* * *

این دستجات با آن عظمت - البته جهات غیرشرعی اش باید حساب بشود، باید جهات شرعی محفوظ بماند - این دستجات با آن عظمت، با آن محتوا همه جا [راه می افتند] کی می تواند یک چنین اجتماعی درست کند. (۱۴۵)

۵۸/۸/۲۹

* * *

گزیده‌ای از فرمایشات حضرت امام (س) درباره محرم و قیام کربلا

کربلا را زنده نگه دارید، و نام مبارک حضرت سیدالشهدا را زنده نگه دارید، که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود. (۱۴۶)

۶۲/۳/۲۱

* * *

این خون سیدالشهداست که خونهای همه ملت‌های اسلامی را به جوش

می آورد. (۱۴۷)

۶۰/۸/۴

* * *

تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس
عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. (۱۴۸)

۶۱/۷/۲۵

* * *

محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام
خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فناء
ظالم و شکست ستمکار را به فدایی دادن و فداشدن دانست؛ و این خود
سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملت‌ها تا آخر دهر. (۱۴۹)

۵۶/۱۱/۲

* * *

محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده
و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده
است. (۱۵۰)

۵۷/۹/۱۴

* * *

مجالس بزرگداشت سیدمظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه

عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوهتر و فشردهتر برپا شود، و بیرقهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود. (۱۵۱)

۵۷/۹/۱

* * *

انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. (۱۵۲)

۶۲/۳/۱۵

* * *

ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی در متن فداکاری و خون به دست آمده است. (۱۵۳)

۵۷/۱۰/۶

* * *

محرم و صفر است که اسلام را [زنده] نگه داشته است. (۱۵۴)

۶۰/۸/۴

* * *

باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت - علیهم السلام - که با ذکر مصائب اهل بیت - علیهم السلام - زنده مانده

است این مذهب تا حالا. (۱۵۵)

۶۰/۸/۴

* * *

سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد. (۱۵۶)

۵۸/۴/۱۵

* * *

حضرت سیدالشهدا را کشتند؛ اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود؛ از این جهت، از این جهت هیچ شکستی در کار نبود؛ اطاعت کرد. (۱۵۷)

۵۷/۹/۱۱

* * *

سیدالشهدا هم شکست خورد در کربلا، اما شکست نبود این. کشته شد و زنده کرد یک عالمی را. (۱۵۸)

۵۹/۳/۴

* * *

سیدالشهدا به داد اسلام رسید، سیدالشهدا اسلام را نجات داد. (۱۵۹)

۵۸/۴/۱۷

* * *

۱۰۰ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

فداکاری سیدالشهدا - سلام الله علیه - است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است. (۱۶۰)

۶۰/۸/۴

* * *

لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم سلام الله - به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود. (۱۶۱)

۶۳/۸/۱۵

* * *

گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می‌آمد. (۱۶۲)

۶۱/۳/۳۱

* * *

شما ملاحظه کنید که بهترین خلق الله در عصر خودش، حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - و بهترین جوانان بنی هاشم و اصحاب او شهید شدند و از این دنیا رفتند با شهادت، لکن وقتی که در آن مجلس پلید یزید صحبت می‌شود، حضرت زینب - سلام الله علیها - قسم می‌خورد که مَا رَأَيْنَا إِلَّا جَمِيلًا^(۱) رفتن یک انسان کامل، شهادت یک انسان کامل در

۱. آنچه (در کربلا) دیدیم جز پیشامدی زیبا نبود.

مجموعه موضوعی □ ۱۰۱

نظر اولیای خدا جمیل است، نه برای اینکه جنگ کرده و کشته شده، برای
اینکه جنگ برای خدا بوده است. (۱۶۳)

۶۵/۱۱/۲۱

* * *

فهرست مآخذ

ردیف	تاریخ	عنوان	عنوان کتاب جلد	صفحه
۱	۵۷/۹/۱	پیام به ملت مسلمان ایران درباره وظایف		
		اقشار جامعه در آستانه ماه محرم	صحیفه امام ۵	۷۵
۲	۵۷/۹/۱۴	مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ درباره ماه		
		محرم و بقای شاه	صحیفه امام ۵	۱۷۷
۳	۵۸/۹/۷	پیام به ملت ایران (رأی به قانون اساسی		
		جمهوری اسلامی)	صحیفه امام ۱۱	۱۳۷
۴	۵۷/۱۰/۶	پیام به ملت مسلمان ایران (شش توصیه		
		عمومی)	صحیفه امام ۵	۲۸۳
۵	۵۶/۱۱/۲	پیام به ملت ایران به مناسبت قیام ۱۹ دی		
		مردم قم و نوید پیروزی	صحیفه امام ۳	۳۱۴
۶	۶۰/۸/۴	سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ		
		نظام اسلامی - وظایف روحانیت)	صحیفه امام ۱۵	۳۳۰
۷	۶۰/۸/۴	سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ		
		نظام اسلامی - وظایف روحانیت)	صحیفه امام ۱۵	۳۳۰

۱۰۴ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

			۵۷/۹/۱۰	۸	مصاحبه با تلویزیون «پی.بی.اس» درباره
۱۴۶	۵	صحیفه امام	ماه محرم و رابطه با امریکا		
			۵۷/۹/۱	۹	پیام به ملت مسلمان ایران درباره وظایف
۷۶	۵	صحیفه امام	اقشار جامعه در آستانه ماه محرم		
			۵۷/۱۰/۶	۱۰	پیام به ملت مسلمان ایران (شش توصیه
۲۸۳	۵	صحیفه امام	عمومی)		
			۶۱/۳/۶	۱۱	پیام به ملت ایران به مناسبت سوم شعبان و
۲۶۳	۱۶	صحیفه امام	روز پاسدار (هشدار به حامیان صدام)		
			۵۹/۳/۲۶	۱۲	پیام به ملت ایران و پاسداران (هشت تذکر
۴۴۱	۱۲	صحیفه امام	عمومی - هشدار به توطئه گران)		
			۶۲/۲/۲۶	۱۳	سخنرانی در جمع فرماندهان و اعضای
۴۳۹	۱۷	صحیفه امام	شورای عالی سپاه (پاسدار واقعی باشیم)		
			۵۸/۴/۶	۱۴	پیام به پاسداران انقلاب اسلامی (وظایف
۳۰۵	۸	صحیفه امام	پاسداران)		
			۵۸/۴/۷	۱۵	سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و
۳۳۶	۸	صحیفه امام	مبلغان (راه الهی و راه شیطانی)		
			۵۷/۸/۱۴	۱۶	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج
۳۲۴	۴	صحیفه امام	درباره حیاتبخش بودن آیین اسلام		
				۱۷	ولایت فقیه
			۵۸/۳/۸	۱۸	سخنرانی در جمع هیأت قانمیه تهران (قیام
۱۰-۹	۸	صحیفه امام	برای خدا - تکلیف مسلمین)		
			۵۹/۸/۱۴	۱۹	سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه
۳۳۰	۱۳	صحیفه امام	ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)		

			سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون	۵۸/۴/۱۳	۲۰
۴۲۰	۸	صحیفه امام	تربت حیدریه (نگرانی برای اسلام)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (قیام	۵۷/۹/۱۱	۲۱
۱۶۲	۵	صحیفه امام	برای خدا پیروز است)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۲۲
۱۵۱	۴	صحیفه امام	(شهادت در راه خدا، سیره انبیاست)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۸	۲۳
۱۹۳-۱۹۲	۵	صحیفه امام	درباره تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر		
			سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و	۵۸/۳/۸	۲۴
۲	۸	صحیفه امام	اهالی کرج		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات خراسان و	۶۰/۶/۱۸	۲۵
۲۱۷	۱۵	صحیفه امام	روحانیون (توصیه به روحانیون)		
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت در	۶۶/۶/۱	۲۶
۳۶۹	۲۰	صحیفه امام	آستانه هفته دولت (فاجعه کشتار حجاج)		
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران (اقامه	۶۷/۱/۱	۲۷
۴	۲۱	صحیفه امام	عدل، مهمترین هدف قیام سیدالشهدا)		
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران (اقامه	۶۷/۱/۱	۲۸
۱	۲۱	صحیفه امام	عدل، مهمترین هدف قیام سیدالشهدا)		
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران (اقامه	۶۷/۱/۱	۲۹
۳-۲	۲۱	صحیفه امام	عدل، مهمترین هدف قیام سیدالشهدا)		
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران (اقامه	۶۷/۱/۱	۳۰
۳	۲۱	صحیفه امام	عدل، مهمترین هدف قیام سیدالشهدا)		

۱۰۶ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و	۵۸/۴/۷	۳۱
۳۳۵	۸	صحیفه امام	مبلغان (راه الهی و راه شیطانی)		
			سخنرانی در جمع پاسداران (اهمیت وظیفه	۵۸/۷/۲	۳۲
۱۰۹	۱۰	صحیفه امام	پاسداران - حفظ مکتب و نظام)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۷	۳۳
۱۹	۵	صحیفه امام	درباره وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم		
۱۶۱			ولایت فقیه		۳۴
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (قیام	۵۷/۹/۱۱	۳۵
۱۶۲	۵	صحیفه امام	برای خدا پیروز است)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۳۶
۱۵۱	۴	صحیفه امام	(شهادت در راه خدا، سیره انبیاست)		
			سخنرانی در جمع علمای نجف (برگزاری	۵۰/۴/۱	۳۷
۳۷۳-۳۷۲	۲	صحیفه امام	جشنهای شاهنشاهی - وجوب قیام علما)		
			سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته	۵۸/۴/۱۵	۳۸
۴۸۹	۸	صحیفه امام	و سپاه (وظایف روحانیون و پاسداران)		
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۳۹
۳۱۴-۳۱۳	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران (تکالیف	۵۸/۴/۱۷	۴۰
۵۲۹	۸	صحیفه امام	روحانیون)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (قیام	۵۷/۹/۱۱	۴۱
۱۶۹	۵	صحیفه امام	برای خدا پیروز است)		
			سخنرانی در جمع روحانیون تهران (شهادت)	۶۰/۴/۱۰	۴۲
۹	۱۵	صحیفه امام	هفتم تیر - وظایف مردم و مسئولان)		

فهرست مآخذ □ ۱۰۷

			سخنرانی در جمع کارگران، معلمان و مربیان	۶۲/۲/۴	۴۳
۴۱۴	۱۷	صحیفه امام	پرورشی (عصر هدم ارزشهای انسانی)		
۲۴۲		چهل حدیث			۴۴
			سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه	۵۹/۳/۱۴	۴۵
			تهران (تحول درونی - اتحاد حوزه		
۳۹۲	۱۲	صحیفه امام	و دانشگاه)		
			سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی	۵۸/۶/۱۳	۴۶
۴۱۳	۹	صحیفه امام	(تحول روحی ملت)		
			سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای	۶۳/۳/۹	۴۷
۴۷۸۴۷۷	۱۸	صحیفه امام	اسلامی (منشأ بروز اختلاف)		
			پیام به ملت ایران (شهادت جمعی از	۶۰/۷/۸	۴۸
۲۶۴	۱۵	صحیفه امام	فرماندهان نظامی در سانحه هوایی)		
			پیام به ملت ایران و مسلمانان جهان (رسالت	۶۰/۳/۱۶	۴۹
۴۰۷۴۰۶	۱۴	صحیفه امام	پاسداران و تجلیل از فداکارها)		
			پیام به ملت ایران (تلاش گروهکهای وابسته	۶۰/۳/۱۵	۵۰
۴۰۳	۱۴	صحیفه امام	علیه اسلام و انقلاب)		
			پیام به ملت ایران (یوم الله ۱۵ خرداد،	۶۱/۳/۱۵	۵۱
۲۹۰	۱۶	صحیفه امام	پرتوی از عاشورا)		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۵۲
۵۳۵۲	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا «ع»)		
			پیام به ملت ایران و پاسداران (هشت تذکر	۵۹/۳/۲۶	۵۳
۴۴۱	۱۲	صحیفه امام	عمومی - هشدار به توطئه گران)		

۱۰۸ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

			پیام به ملت مسلمان ایران (شش توصیه عمومی)	۵۷/۱۰/۶	۵۴
۲۸۳	۵	صحیفه امام			
			پیام به پاسداران انقلاب اسلامی (وظایف پاسداران)	۵۸/۴/۶	۵۵
۳۰۵	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان (راه الهی و راه شیطانی)	۵۸/۴/۷	۵۶
۳۳۵	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع هیأت بحرینی و روحانیون کردستان (توطئه علیه نهضت اسلامی)	۵۸/۴/۱۲	۵۷
۳۶۸	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی (تحول روحی ملت)	۵۸/۶/۱۳	۵۸
۴۱۰	۹	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)	۵۸/۷/۳۰	۵۹
۳۱۳	۱۰	صحیفه امام			
			بیانات در جمع مجروحان و پزشکان بیمارستان شفا یحیایان (تجلیل از معلولان)	۵۸/۳/۲۴	۶۰
۱۵۱	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته و سپاه (وظایف روحانیون و پاسداران)	۵۸/۴/۱۵	۶۱
۴۸۴-۴۸۳	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه (نگرانی برای اسلام)	۵۸/۴/۱۳	۶۲
۴۲۰	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران (تکالیف روحانیون)	۵۸/۴/۱۷	۶۳
۵۲۷	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع روحانیون ارومیه	۵۸/۱۰/۱۰	۶۴
۴۹۶	۱۱	صحیفه امام	(مسئولیت علما در مبارزه بین حق و باطل)		

			سخنرانی در جمع گروهی از خطاب و	۵۸/۸/۲۹	۶۵
۹۷	۱۱	صحیفه امام	وعاظ در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه	۵۹/۸/۱۴	۶۶
۳۳۰	۱۳	صحیفه امام	ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)		
			سخنرانی در جمع خطبا و وعاظ در آستانه	۶۲/۷/۱۳	۶۷
۱۷۷	۱۸	صحیفه امام	ماه محرم (وظایف روحانیت)		
۱۳۸	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۶/۹	۶۸
			سخنرانی برای جمعی از معلمان (قیام برای	۵۷/۱۱/۱۹	۶۹
۱۰۶۱۰۵	۶	صحیفه امام	خدا)		
			سخنرانی در جمع رزمندگان اسلام (تفاوت	۶۰/۱۲/۱۸	۷۰
۸۹	۱۶	صحیفه امام	ایده رزمندگان اسلام با دشمنان)		
			سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران (قیام	۵۸/۳/۸	۷۱
۹	۸	صحیفه امام	برای خدا - تکلیف مسلمین)		
			سخنرانی در جمع پرستل نیروی هوایی	۵۸/۱۰/۹	۷۲
			(شرایط خدمت به اسلام در مقطع		
۴۹۵	۱۱	صحیفه امام	کنونی)		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۷۳
۵۵	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا «ع»)		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۷۴
۵۳-۵۲	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا «ع»)		
			پیام به ملت مسلمان ایران درباره وظایف	۵۷/۹/۱	۷۵
۷۵	۵	صحیفه امام	اقشار جامعه در آستانه ماه محرم		

۱۱۰ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۷۶
۵۶	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا«ع»)		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۷۷
۵۵-۵۳	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا«ع»)		
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۷۸
۳۱۵	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور	۶۱/۷/۲۲	۷۹
۴۴	۱۷	صحیفه امام	(اهمیت نماز جمعه - وظایف ائمه جمعه)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۸۰
۱۵۲-۱۵۱	۴	صحیفه امام	(شهادت در راه خدا، سیره انبیاست)		
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۸۱
۳۱۵	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۸۲
۱۲۲	۱۰	صحیفه امام	(فلسفه عاشورا - حفظ جمهوری اسلامی)		
			بیانات در جمع روحانیون قم (صبر و	۴۲/۱/۲	۸۳
۱۶۶	۱	صحیفه امام	استقامت در برابر مصایب و فجایع)		
			پیام به ملت ایران به مناسبت قیام ۱۹ دی	۵۶/۱۱/۲	۸۴
۳۱۵-۳۱۴	۳	صحیفه امام	مردم قم و نوید پیروزی		
			سخنرانی در مدرسه علوی (لزوم ادامه	۵۷/۱۱/۱۳	۸۵
۳۳	۶	صحیفه امام	مبارزه تا سقوط رژیم)		
			سخنرانی در جمع مسئولان کمیته‌های	۵۸/۱/۲۹	۸۶
			انقلاب (ضرورت ابقای کمیته‌ها و تصفیه		
۵۲	۷	صحیفه امام	آنها)		

۴۴۶۴۵	۹	صحیفه امام	پیام عفو عمومی در کردستان	۵۸/۶/۱۶	۸۷
			پیام به ملت ایران (یوم الله ۱۵ خرداد،	۶۱/۳/۱۵	۸۸
۲۹۰	۱۶	صحیفه امام	پرتوی از عاشورا)		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۸۹
۵۸	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا «ع»)		
			پیام به فرماندهان نظامی (تجلیل از	۶۱/۱/۱۰	۹۰
			رشادتهای رزمندگان در عملیات		
۱۵۱	۱۶	صحیفه امام	فتح المبین)		
			سخنرانی در جمع فرماندهان و اعضای	۶۲/۲/۲۶	۹۱
۴۳۹	۱۷	صحیفه امام	شورای عالی سپاه (پاسدار واقعی باشیم)		
			سخنرانی در جمع کارکنان وزارت صنایع،	۶۲/۸/۱	۹۲
۱۹۲.۱۹۱	۱۸	صحیفه امام	مخترعان و مبتکران (خودکفایی)		
۴۰۰	۲۱	صحیفه امام	وصیت نامه سیاسی - الهی	۶۸/۳/۱۵	۹۳
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۹۴
۳۱۴	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۹۵
۱۰۰	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه	۵۹/۸/۱۴	۹۶
۳۲۳	۱۳	صحیفه امام	ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۹۷
۳۴۵	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۹۸
۹۷	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		

۱۱۲ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۹۹
۳۴۴-۳۴۳	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۰۰
۳۴۶-۳۴۵	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران (تکالیف	۵۸/۴/۱۷	۱۰۱
۵۲۹-۵۲۸	۸	صحیفه امام	روحانیون)		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۰۲
۳۴۷	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۱۰۳
۱۲۰	۱۰	صحیفه امام	(فلسفه عاشورا - حفظ جمهوری اسلامی)		
۴۰۰	۲۱	صحیفه امام	وصیت نامه سیاسی - الهی	۶۸/۳/۱۵	۱۰۴
			پیام به مردم و زائران بیت الله الحرام به	۶۵/۵/۱۶	۱۰۵
			مناسبت ایام حج (محجوریت حج		
۹۴	۲۰	صحیفه امام	ابراهیمی)		
۱۷۴		کشف اسرار			۱۰۶
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ	۶۰/۸/۴	۱۰۷
۳۳۱	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطباء و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۰۸
۹۷	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران	۵۸/۷/۴	۱۰۹
۱۲۱	۱۰	صحیفه امام	(فلسفه عاشورا - حفظ جمهوری اسلامی)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران (تکالیف	۵۸/۴/۱۷	۱۱۰
۵۲۸-۵۲۷	۸	صحیفه امام	روحانیون)		

			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۱۱
۹۸	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۱۲
۳۴۶	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۱۱۳
۳۱۶-۳۱۵	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه	۵۹/۸/۱۴	۱۱۴
۳۲۲-۳۲۲	۱۳	صحیفه امام	ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)		
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۱۱۵
۳۱۶	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۱۶
۳۴۵-۳۴۴	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ	۶۰/۸/۴	۱۱۷
۳۳۳	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت)		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۱۱۸
۵۵	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا«ع»)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۱۹
۹۹	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۲۰
۱۰۰	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۲۱
۹۷	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		

۱۱۴ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۲۲
۳۴۸-۳۴۷	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران (تکالیف	۵۸/۴/۱۷	۱۲۳
			روحانیون)		
۵۲۸	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۲۴
۳۴۷	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۱۲۵
۳۱۵-۳۱۴	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۲۶
۳۴۶	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع فارغ التحصیلان دانشکده	۵۹/۸/۲۵	۱۲۷
۳۵۰-۳۴۹	۱۳	صحیفه امام	افسری (هدف دشمن ضربه به اسلام)		
			پیام به ملت مسلمان ایران درباره وظایف	۵۷/۹/۱	۱۲۸
۷۶	۵	صحیفه امام	اقشار جامعه در آستانه ماه محرم		
۴۰۰	۲۱	صحیفه امام	وصیت نامه سیاسی - الهی	۶۸/۳/۱۵	۱۲۹
			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه	۵۹/۸/۱۴	۱۳۰
۳۳۰	۱۳	صحیفه امام	ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۱۳۱
۶۱	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا «ع»)		
			سخنرانی در جمع مردم و عشایر (پاسخ به	۵۸/۷/۳۰	۱۳۲
۳۱۶	۱۰	صحیفه امام	اتهامات - فلسفه قیام عاشورا)		
			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه	۵۹/۸/۱۴	۱۳۳
۳۳۰	۱۳	صحیفه امام	ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)		

			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ)	۶۰/۸/۴	۱۳۴
۳۳۱-۳۳۰	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۳۵
۱۰۰	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۳۶
۹۸	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع فارغ التحصیلان دانشکده	۵۹/۸/۲۵	۱۳۷
۳۵۴	۱۳	صحیفه امام	افسری (هدف دشمن، ضربه به اسلام)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ)	۶۰/۸/۴	۱۳۸
۳۳۷	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت)		
۴۰۰	۲۱	صحیفه امام	وصیت نامه سیاسی - الهی	۶۸/۳/۱۵	۱۳۹
			سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه	۵۹/۸/۱۴	۱۴۰
۳۳۰	۱۳	صحیفه امام	ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ)	۶۰/۸/۴	۱۴۱
۳۳۱	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی وظایف روحانیت)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ)	۶۰/۸/۴	۱۴۲
۳۳۲	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی وظایف روحانیت)		
۱۴۱			کشف اسرار		۱۴۳
۱۷۳			کشف اسرار		۱۴۴
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ	۵۸/۸/۲۹	۱۴۵
۹۸	۱۱	صحیفه امام	در آستانه ماه محرم (بقای تشیع)		
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه و جماعات	۶۲/۳/۲۱	۱۴۶
۴۹۹	۱۷	صحیفه امام	استانهای خراسان، باختران، فارس و...		

۱۱۶ □ قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ)	۶۰/۸/۴	۱۴۷
۳۳۱	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۱۴۸
۵۵	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان (تأثیر نهضت سیدالشهدا «ع»)		
			پیام به ملت ایران به مناسبت قیام ۱۹ دی	۵۶/۱۱/۲	۱۴۹
۳۱۴	۳	صحیفه امام	مردم قم و نوید پیروزی		
			مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ درباره ماه	۵۷/۹/۱۴	۱۵۰
۱۷۷	۵	صحیفه امام	محرم و بقای شاه		
			پیام به ملت مسلمان ایران درباره وظایف	۵۷/۹/۱	۱۵۱
۷۶	۵	صحیفه امام	اقشار جامعه در آستانه ماه محرم		
			پیام به ملت ایران به مناسبت سالگرد قیام	۶۲/۳/۱۵	۱۵۲
۴۸۲	۱۷	صحیفه امام	۱۵ خرداد		
			پیام به ملت مسلمان ایران (شش توصیه	۵۷/۱۰/۶	۱۵۳
۲۸۳	۵	صحیفه امام	عمومی)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ)	۶۰/۸/۴	۱۵۴
۳۳۰	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ)	۶۰/۸/۴	۱۵۵
۳۳۰	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت		
			سخنرانی در جمع روحانیون پرسنل کمیته و	۵۸/۴/۱۵	۱۵۶
۴۸۹	۸	صحیفه امام	سپاه (وظایف روحانیون و پاسداران)		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (قیام	۵۷/۹/۱۱	۱۵۷
۱۶۹	۵	صحیفه امام	برای خدا پیروز است)		

فهرست مأخذ □ ۱۱۷

			سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس (افتتاح	۵۹/۳/۴	۱۵۸
۳۵۰	۱۲	صحیفه امام	اولین دوره مجلس شورای اسلامی)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران (تکالیف	۵۸/۴/۱۷	۱۵۹
۵۲۶	۸	صحیفه امام	روحانیون)		
			سخنرانی در جمع وعاظ تهران و... (حفظ	۶۰/۸/۴	۱۶۰
۳۳۰	۱۵	صحیفه امام	نظام اسلامی - وظایف روحانیت)		
۴۰۰	۲۱	صحیفه امام	وصیت نامه سیاسی - الهی	۶۸/۳/۱۵	۱۶۱
			سخنرانی در جمع ائمه جماعات و وعاظ	۶۱/۳/۳۱	۱۶۲
۳۴۶	۱۶	صحیفه امام	تهران و قم (وظیفه روحانیون)		
			سخنرانی در جمع میهمانان خارجی مراسم	۶۵/۱۱/۲۱	۱۶۳
۲۰۴	۲۰	صحیفه امام	«دهه فجر»؛ (بررسی انقلابهای دنیا)		